

اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری

منو تی. کامینگا

Menno T. Kamminga

مترجم: دکتر محمدجواد شریعت باقری*



پیشگفتار

شناخته شده‌ترین اصلی که دولتها صلاحیت کیفری دادگاههای داخلی خود را بر آن بنا می‌نهند اصل سرزمینی بودن جرائم است. این بدان معناست که دادگاههای داخلی یک کشور علی‌الاصول به جرائمی رسیدگی می‌کنند که در قلمرو آن کشور اتفاق افتاده است. با وجود این، اصول دیگری نیز در کنار اصل سرزمینی بودن جرائم در حقوق کشورهای مختلف - و از جمله حقوق ما - یافت می‌شوند که با اجرای آنها صلاحیت دادگاههای داخلی برای رسیدگی به جرائمی که در قلمرو کشور دیگر اتفاق افتاده است توسعه می‌یابد. این موارد از جمله شامل وضعیتی است که

*. مدیرکل امور بین‌الملل قوه قضائیه.

متهم تبعه آن کشور است و یا اگر چنین نیست مجنی علیه یا زیان‌دیده تابعیت آن کشور را دارد و یا این که جرم علیه نظام یا نظامات داخلی آن کشور ارتکاب یافته است. به‌رحال در همه این موارد لاقبل وجهی از وجوه ارتباط جرم با کشور رسیدگی‌کننده وجود دارد.

اما مسأله صلاحیت جهانی، مسأله توسعه صلاحیت دادگاههای داخلی یک کشور برای رسیدگی به جرمی است که نه در قلمرو کشور رسیدگی‌کننده واقع شده است نه متهم تبعه اوست، نه مجنی علیه یا زیان‌دیده و نه جرم علیه آن کشور ارتکاب یافته است. به‌عبارت دیگر، جرم از جرائم مهم بین‌المللی است که نگرانی جامعه بین‌المللی را برانگیخته و دولت‌ها می‌توانند بدون هیچیک از ارتباطات سابق‌الذکر به آن رسیدگی نمایند.

در کشور ما ماده ۸ قانون مجازات اسلامی پذیرفته است که:

«در مورد جرائمی که به‌موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که به‌دست آید محاکمه می‌شود اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد.»

بنابراین قانون مجازات اسلامی، اعمال صلاحیت جهانی توسط دادگاه‌های ایران را مقید به دو قید نموده است: اول این که؛ می‌بایست به‌موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی مقرر شده باشد که مرتکب در هر کشوری به‌دست آید محاکمه شود دوم آن که؛ لازم است که متهم در ایران دستگیر شود.

مسأله اعمال صلاحیت جهانی در سالهای اخیر مباحثات و مشکلات عملی فراوانی را برانگیخته است؛ از جمله این که جرائم موضوع اعمال صلاحیت جهانی کدامند؟ قوانینی که در سالهای اخیر در خصوص اعمال

صلاحیت جهانی از مجاری قانونگذاری کشورهای مختلف عبور کرده است چه می‌گویند؟ سیر تحول و تطور حقوق بین‌الملل کیفری به کدام سوست؟ رابطه دادگاه‌های موجود یا در شرف تأسیس بین‌المللی با دادگاه‌های داخلی که به اعمال صلاحیت جهانی روی آورده‌اند چیست؟ آیا لازم است که متهم در قلمرو دولت رسیدگی کننده یافت یا دستگیر شود؟ اعمال صلاحیت جهانی در مورد مقامات کشورها با توجه به مصونیت سیاسی آنها چگونه است؟ موضع حقوق بین‌الملل عرفی چیست و حقوق بین‌الملل قراردادی (معاهدات بین‌المللی) در این زمینه چه می‌گوید؟ مسأله ادله، عضو متهمین و جلوگیری از سوء استفاده سیاسی از اعمال صلاحیت جهانی نیز از جمله این مسائل است.

باید خاطر نشان کرد که اخیراً طرحی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید^۱ که در صورت تأیید شورای نگهبان محاکم جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به پاره‌ای از جنایات بین‌المللی به‌ویژه نژادپرستی صلاحیت جهانی خواهند داشت. مطابق تبصره ۲ از ماده ۱ این طرح: «متهمین موضوع این قانون بدون در نظر گرفتن محل ارتکاب، تابعیت، اقامتگاه و حضور آنان در دادگاه‌های مزبور [دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران] محاکمه خواهند شد». بنابراین، این اولین باری است که قرار است دادگاه‌های ایران به جرائمی رسیدگی نمایند که هیچ‌یک از ارتباطات سابق‌الذکر با کشور ایران را ندارد؛ این چیزی جز اعمال تمام و کمال صلاحیت جهانی در خصوص پاره‌ای از جرائم بین‌المللی نیست.

۱. نک. به مشروع مذاکرات مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۲۴، ۱۳۸۱/۲/۲۹، صفحه ۲۳ و بعد: «طرح نحوه رسیدگی به شکایات جنایات جنگی، کشتار جمعی و تعدیات ناشی از رژیم‌های نژادپرست و ضدبشری».

آنچه که در پی می‌آید ترجمه مقاله‌ای است تحت عنوان «اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری»^۲ که به قلم Menno T. Kamminga، استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه ماستریخت (هلند) به رشته تحریر درآمده و صفحات ۹۴۰ تا ۹۷۴ مجله Human Rights Quarterly سال ۲۰۰۱ را به خود اختصاص داده است.

از میان ۱۳۵ پاورقی و ارجاعات مقاله، تنها برخی از آنها که به نظر مترجم ضروری رسیده ترجمه شده است، علاقمندان جهت تتبع بیشتر به ملاحظه اصل مقاله دعوت می‌شوند. در پاره‌ای موارد نیز مترجم توضیحاتی در پاورقی آورده که امید است خواننده را مفید و مقبول افتد.

و اینک متن مقاله:

۱- مقدمه

یک بازپرس بلژیکی به نام دامین واندرمیرش* در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ دستور دستگیری عبدالله یرودیاندومباسی** وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک کنگو را امضاء نمود. وی در قرار خود خاطرنشان کرده بود که یرودیا مرتکب نقض جدی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی*** گردیده زیرا در ماه اوت ۱۹۹۸ اعضای گروه قومی توتسی را «مردمان پست» اعلام کرده و خواستار «ریشه کن کردن» آنان شده است. دولت کنگو در تاریخ ۱۷ اکتبر سال ۲۰۰۰ با طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه به

2. Lessons Learned from the Exercise of Universal Jurisdiction in Respect of Gross Human Rights Offenses.

*. Damien Vandermeersch.

** . Abdulaye Yerodia Ndombasi.

***. International humanitarian law.

این عمل بلژیکی واکنش نشان داد. در دادخواست دولت کنگو تصریح شده بود که اقدام قاضی بلژیکی دخالت در امور داخلی کنگو تلقی می‌شود و با مصونیت سیاسی وزیر امور خارجه آن کشور ناسازگار است. به‌علاوه کنگو در دادخواست خود از دیوان خواست تا با صدور دستور موقت مانع از اجرای حکم بازپرس بلژیکی شود.^۳

تلاش برای محاکمه وزیر امور خارجه کنگو در دادگاههای بلژیک در رابطه با جرائمی که در صورت وقوع، علیه اتباع کنگو و در کشور کنگو ارتکاب یافته است روشن‌ترین نمونه گرایش دستگاه‌های قضایی داخلی برای محاکمه کسانی است که مرتکب جرائم سنگین حقوق بشری شده‌اند.^۴ این مکانیسمی است که بر پایه نظریه صلاحیت جهانی تعیبه (Universal jurisdiction) شده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که از زمانی که مشاور حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۹۸۶ بر این عقیده بود که صلاحیت جهانی «فاقد ارزش عملی» در مورد محاکمات

۳. درخواست صدور دستور موقت در تاریخ ۸ دسامبر ۲۰۰۰ از سوی دیوان رد شد به این دلیل که چون متهم دیگر وزیر امور خارجه نیست موضوع فوری تلقی نمی‌شود. برای ملاحظه آن به پایگاه اینترنتی دیوان بین‌المللی دادگستری در آدرس زیر مراجعه شود:

<http://www.icj-cij.org.html>.

۴. اخیراً (در تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۰۲) دیوان بین‌المللی دادگستری رأی خود را در دعوی مطروحه صادر کرد. بررسی و تحلیل ماجرا و رأی دیوان نیازمند مقاله جداگانه‌ای است. مغذک در اینجا یادآور می‌شود که دیوان در رأی خود نهایتاً دولت بلژیک را به دلیل صدور دستور دستگیری وزیر امور خارجه کنگو محکوم کرده است. دیوان به طور خلاصه بر این عقیده است که با وجود این که کنوانسیون وین مربوط به روابط دیپلماتیک تصریح به مصونیت وزیر امور خارجه ننموده است اما به موجب یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل وزرای امور خارجه مادام که در این سمت هستند از مصونیت سیاسی برخوردارند، چه نقض این مصونیت با ماهیت کار آنان مغایر است، بنابراین بلژیک با نقض این قاعده عرفی حقوق بین‌الملل، مرتکب نقض حقوق بین‌الملل شده است. رأی دیوان در پایگاه اینترنتی [icj-cij.org](http://www.icj-cij.org) موجود است. (مترجم)

مربوط به جرائم جنگی است تغییرات زیادی رخ داده است.^۵ در طی هفت سال گذشته، ده نفر از کسانی که در یوگسلاوی سابق و رواندا مرتکب جرائم سنگین حقوق بشری (شامل نسل کشی) شده بودند، در دادگاههای داخلی بلژیک، دانمارک، آلمان و سویس براساس صلاحیت جهانی به پای میز محاکمه کشیده شده‌اند. همچنین پرونده‌هایی بر همین اساس در کشورهای اتریش، فرانسه، هلند، سنگال، اسپانیا و انگلستان در رابطه با جرائمی که در چاد، شیلی، موریتانی، رواندا، سودان و یوگسلاوی ارتکاب یافته تشکیل شده است. به عبارت دیگر، اینک با گذشت دهها سال که از تولد اصل صلاحیت جهانی در متون معاهدات گذشته است، شاهد جان گرفتن اصل مزبور در صحنه جهان هستیم.

نگرانی عمومی و گسترده درباره جنایاتی که در قلمرو یوگسلاوی سابق و رواندا اتفاق افتاده است، اقتدار فزاینده دادگاههای کیفری بین‌المللی مربوط به یوگسلاوی سابق (دادگاه یوگسلاوی) و رواندا (دادگاه رواندا) و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی از جمله عواملی هستند که به توسعه مفهوم صلاحیت جهانی کمک کرده‌اند. شمار فزاینده‌ای از دولتها، چه در پاسخ به تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد که مطابق با فصل هفتم منشور ملل متحد اتخاذ می‌نماید و چه در پاسخ به مقتضیات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اقدام به تصویب قوانین و مقررات ویژه‌ای نموده‌اند تا بتوانند بر اساس صلاحیت جهانی، اشخاص را به پای میز محاکمه بکشانند. نمونه موفق محاکمات دادگاههای یوگسلاوی و رواندا الهام بخش و مشوق دولتها در انجام محاکمه در داخل کشورهاست.

5. Yves Sandoz, Penal Aspects of International Humanitarian Law, in International Criminal Law 209, 230 (M. Cherif Bassiouni ed., 1986).

با همه اینها، اجرای صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری مجموعه‌ای از مسائل حقوقی و مشکلات عملی را نیز در پی داشته است. هدف از این مقاله بررسی پرونده‌های مطروحه در کشورها، شناسایی مسائل و مشکلات موجود و در نهایت ارائه راه‌حل‌هایی برای پاسخ به آنهاست.

۲- صلاحیت جهانی چیست؟

به موجب اصل صلاحیت جهانی یک دولت می‌تواند و یا حتی موظف است تا در رابطه با پاره‌ای جرائم مهم، قطع نظر از محل وقوع آنها و صرف نظر از تابعیت مجرم یا قربانی به جرم مزبور رسیدگی نماید. مقاله حاضر به مسأله صلاحیت قضایی به‌ویژه در خصوص اعمال صلاحیت کیفری از سوی دادگاههای ملی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری خواهد پرداخت. بنابراین از مسائل مربوط به اجرای احکام و همچنین اعمال صلاحیت در خصوص امور مدنی و جبران ضرر سخن به میان نخواهد آمد.^۶ اصطلاح «جرائم سنگین حقوق بشری»^۷ را برای بیان اختصاری پاره‌ای تخلفات مهم از حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و حقوق بشر بین‌المللی - که به جرائم حقوق بین‌الملل توصیف شده است - بکار برده‌ایم.

با توجه به تعریف فوق‌الذکر، دادگاه‌هایی که پس از جنگ جهانی دوم تأسیس شد و معمولاً از آنها به‌عنوان نمونه‌هایی از اعمال صلاحیت جهانی یاد می‌شود - بجز یک یا دو استثنا - در حقیقت مشمول عنوان

۶. در ایالات متحده اصل صلاحیت جهانی برای جبران خسارات مدنی به موجب قانون Alien Tort Claims Act و همچنین قانون Torture Victim Protection Act با موفقیت‌هایی مورد عمل قرار گرفته است.

7. Gross Human Rights Offenses.

فوق‌الذکر نمی‌شوند. دادگاه‌های نظامی که در آلمان، ایتالیا، هلند و جزیره کواجالین تشکیل شد و به محاکمه مجرمان «غیراصلی» پرداخت عموماً از اشاره صریح به مبنای حقوقی اعمال صلاحیت خود خودداری کرده‌اند. اما به هر حال این دادگاه‌ها معمولاً به جرائمی رسیدگی کرده‌اند که علیه اتباع کشورهای خود ارتکاب یافته است. بنابراین مبنای صلاحیت در این موارد اصل انفعالی تابعیت مجنی علیه^۸ بوده است. به‌ویژه در صورتی که فرض شود به‌موجب اصل مزبور می‌توان صلاحیت دادگاه‌ها را در مورد جرائم ارتكابی علیه اتباع دولت هم پیمان با دولت متخاصم نیز اعمال نمود.

۳- منطق اعمال صلاحیت جهانی

اصطلاح «صلاحیت جهانی» ظاهراً اولین بار از سوی Cowles در سال ۱۹۴۵ بکار رفته است. وی بر اساس بررسی جامعی که از عملکرد دولتها در رابطه با راهزنان به‌عمل آورد چنین نتیجه گرفت که هر دولتی برای مجازات جرائم جنگی قطع نظر از تابعیت مجنی علیه، زمان ورود آن دولت به جنگ و یا محل ارتکاب جرائم دارای صلاحیت است. به نظر وی از آنجا که جرائم جنگی نظیر راهزنی و دزدی دریایی می‌بایست به‌عنوان جرائم علیه وجدان جهان متمدن و عموم ملتها تلقی شود منافع همه دولتها ایجاب می‌نماید که مرتکبان جرائم مزبور را مجازات نمایند.^۹

استدلال فوق‌الذکر هنوز به قوت خود باقی است. زیرا جامعه بین‌المللی با قبول این که پاره‌ای از جرائم مشمول صلاحیت جهانی است نشان می‌دهد که این جرائم آنقدر مخاطره‌انگیز است که می‌تواند به‌عنوان تهدیدی علیه نظام حقوقی بین‌المللی تلقی شود. اقتضای عدالت این است که

8. Passive Personality Principle.

9. Willard B. Cowles, Universal Jurisdiction over War Crimes, 33 CAL. L. REV. 177(1945).

برای مرتکبان چنین جرائمی نباید بهشت امن به وجود آید. دادگاههای داخلی کشورها و دادستانهایی که این مجرمان را به پای میز محاکمه می آورند در حقیقت نه به نمایندگی از سوی نظام حقوقی داخلی بلکه به نمایندگی از نظام حقوقی بین المللی عمل می کنند. اعمال فزاینده صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری عکس العمل جهانی کوچکتر است که در آن زندگی می کنیم؛ جهانی که مردم آن احساس می کنند نه فقط با جرائمی که در قلمرو آنها یا علیه اتباع آنها اتفاق می افتد مورد توهین قرار گرفته اند بلکه ارتکاب جرائم دهشتناک در قلمرو کشورهای دیگر و علیه دیگران نیز به منزله خوار شمردن آنهاست. بدین لحاظ است که به زعم آنان دستگاه قضایی کشورشان باید مرتکبان این جرائم را به مجازات برساند.

دلیل دیگری که گاه برای توجیه اعمال صلاحیت جهانی آورده می شود اثر بازدارنده آن است. اما به هر حال مانند سایر مواردی که در عدالت کیفری مطرح است در این مورد نیز نباید مبالغه کرد. در جریان جنگ دوم جهانی با وجود این که متفقین گفته بودند که قصد دارند مجرمین را «تا اقصی نقاط کره ارض»^{۱۱} تعقیب و آنان را به محکمه تسلیم نمایند قساوت های آلمانی ها همچنان استمرار یافت. در سالهای اخیر نیز جرائم سنگینی در سطح گسترده در کوزوو اتفاق افتاد با این که دادستان دیوان بین المللی یوگسلاوی در نامه ای به رئیس جمهور میلوسویچ و سایر مقامات یوگسلاوی اعلام کرده بود که قصد دارد این جرائم را مورد تحقیق و تعقیب قرار دهد.^{۱۱}

10. To the uttermost ends of the earth.

۱۱. نامه قاضی لوئیس آرور به رئیس جمهور میلوسویچ و سایر مقامات ارشد در :

ICTY press release JL/PIU/389-E, 26 Mar. 1999.

بنابراین منطق محوری اعمال صلاحیت جهانی نه بازدارندگی آن که اجرای عدالت است. بعلاوه صلاحیت جهانی دارای این اثر جانبی است که دولتی را که جرم در قلمرو وی ارتکاب یافته است برای محاکمه کسانی که مرتکب جرائم سنگین حقوق بشری شده‌اند ترغیب می‌نماید. زیرا مقامات آن کشور ممکن است از اعمال صلاحیت جهانی در کشور دیگر شرمسار گردند همانگونه که بازداشت ژنرال پینوشه در انگلستان ظاهراً اثر مثبتی در مورد محاکمه پینوشه در شیلی داشته است.

آنچه که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت تنها اعمال صلاحیت جهانی در خصوص جرائم سنگین حقوق بشری است، بنابراین شامل اعمال صلاحیت جهانی در مورد انواع جرائم تروریستی نخواهد شد. این بدان دلیل است که عمل به اصل صلاحیت جهانی در موارد اخیر مواجه با مشکلات کمتری است. برخلاف جرائم سنگین حقوق بشری، دزدی دریایی و هواپیمارمایی که مستلزم مخاطراتی برای اتباع همه کشورها است، بنابراین دولتها به تشویق کمتری برای محاکمه مرتکبان این جرائم براساس صلاحیت جهانی نیاز دارند.

۴- جرائم حقوق بشری که در حوزه صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند نقطه شروع مناسب برای شناسایی جرائمی که به موجب حقوق بین‌الملل در حوزه صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند مطالعاتی است که کمیسیون حقوق بین‌الملل^{۱۲} انجام داده است. کمیسیون مزبور در پیش‌نویس

۱۲. کمیسیون حقوق بین‌الملل رکن فرعی مجمع عمومی سازمان ملل است و وظیفه مطالعه و ارائه توصیه در مورد حقوق بین‌الملل و تدوین آن را به عهده دارد. کمیسیون دارای ۳۴ عضو است که برای یک دوره ۵ ساله از سوی مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. در حال حاضر یکی از اعضای کمیسیون ایرانی است. (مترجم)

قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشر که در سال ۱۹۹۶ تدوین نمود پیشنهاد کرده است که نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت، جرائم علیه سازمان ملل و کارکنان آن و جرائم جنگی در حوزه صلاحیت جهانی قرار گیرند.^{۱۳} به موجب این پیش نویس هر یک از دولتهای عضو باید هر کسی را که در قلمرو اوست و به یکی از جرائم مذکور متهم است به منظور محاکمه مسترد نماید. پیش نویس مزبور تعریفی از نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی ارائه ننموده است. اخیراً این مفاهیم به نحو دقیقی در مواد ۶ تا ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تعریف شده است. البته باید توجه داشت هدف از مقررات مواد مذکور تنها ارائه تعریف از جرائمی است که در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرند اما این فرضی منطقی است که تعاریف مذکور در اساسنامه همانگونه که نویسندہ‌ای گفته است «مولود مشروع و مقبول و معتبر حقوق بشردوستانه بین‌المللی عرفی و حقوق کیفری است و بنابراین ممکن است به عنوان الگویی از سوی قوانین ملی کشورها به موجب اصل صلاحیت جهانی مورد تبعیت قرار گیرد».^{۱۴} علاوه بر این جرائم، شکنجه نیز اگرچه به عنوان جرم علیه بشریت احصاء نگردیده اما به موجب کنوانسیون سازمان ملل علیه شکنجه در حوزه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

13. Draft Code of Crimes against the Peace and Security of Mankind, arts. 8,9,17,18,19 & 20, Report of the International Law Commission on the Work of its Forty-Eighth Session, U.N. Doc. A/51/10, par. 50.

14. Theodor Meron, Crimes under the Jurisdiction of the International Criminal Court, in Reflections on the International Criminal Court 47, 48 (Herman A.M. von Hebel, Johan G. Lammers & Jolien Schukking eds., 1999).

صلاحیت جهانی قرار می‌گیرد.^{۱۵} ذیلاً بحث کوتاهی در مورد این چهار گروه از جرائم خواهیم داشت.

الف - نسل‌کشی

ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۴۸ در خصوص نسل‌کشی مقرر نموده است که مرتکبان نسل‌کشی باید از سوی دادگاهی که جرم در حوزه آن ارتکاب یافته یا از سوی یک دادگاه کیفری بین‌المللی محاکمه شوند :

«اشخاص متهم به نسل‌کشی یا هر یک از اعمال دیگری که در ماده ۳ آمده است باید از سوی دادگاه صلاحیتدار دولتی که جرم در قلمرو آن ارتکاب یافته است یا دادگاه کیفری بین‌المللی صلاحیتداری که دولتهای متعاقد صلاحیت آن را پذیرفته‌اند مورد محاکمه قرار گیرند».^{۱۶}

کنوانسیون نسل‌کشی مقررات ویژه‌ای در مورد اعمال صلاحیت جهانی از سوی دادگاههای داخلی ندارد. اما همگان بر این نظرند که جرم نسل‌کشی به موجب حقوق بین‌الملل عرفی در حوزه صلاحیت جهانی قرار دارد. رویه دولت‌ها در خصوص اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با نسل‌کشی مؤید این نظر است. در سالهای اخیر دادگاههای آلمان دو تبعه بوسنیایی صرب را به دلیل نسل‌کشی مسلمانان در بوسنی محکوم کرده‌اند.^{۱۷}

15. See generally Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, adopted 10 Dec. 1984, G. A. Res. 39/46, U.N. GAOR, 39th Sess., Supp. No. 51, U.N. Doc. A/39/51 (1985)(entered into force 26 June 1987).

16. Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, adopted 9 Dec. 1948, 78 U.N.T.S. 277.

۱۷. نک. به پیوست مقاله.

دادگاههای استرالیا و سوئیس اخیراً اعمال صلاحیت جهانی را بر اساس اصل جهانی در رابطه با جرم نسل‌کشی تنها به این دلیل رد کردند که قانونگذاری لازم در مورد آن وجود نداشت.^{۱۸}

ب - جرائم علیه بشریت

از مفهوم جرائم علیه بشریت تا مدتها تعریف معتبری وجود نداشت. اما اینک اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی این خلأ را پر کرده است. ماده ۶ اساسنامه شماری از اعمال را در زمره جرائم علیه بشریت دانسته است. از جمله آنهاست: قتل، ریشه کن کردن، به بردگی گرفتن، کوچانیدن یک جمعیت، حبس، شکنجه، تجاوز جنسی، تعقیب و آزار مداوم یک گروه، ناپدید شدن (اجباری) اشخاص و تبعیض نژادی «وقتی که این جرائم در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله» صورت بگیرند. در ارتکاب این جرائم وجود یا وقوع منازعه مسلحانه شرط نیست.

از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی چنین بر نمی‌آید که دادگاههای داخلی می‌توانند در رابطه با جرائم مذکور صلاحیت جهانی اعمال نمایند. اما معمولاً چنین گفته می‌شود که به موجب حقوق بین‌الملل عرفی، اعمال صلاحیت جهانی مجاز است. اخیراً یک قاضی تحقیق در بروکسل اعلام نموده که ممکن است کسانی را که در خارج از بلژیک مرتکب جرم علیه بشریت شده‌اند بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی در بلژیک محاکمه کرد.^{۱۹} متعاقباً بلژیک قانونی را از تصویب گذراند که به موجب آن دادگاههای این

۱۸. نک. به پیوست مقاله.

19. Juge d'instruction à Bruxelles, ordonnance 6 Nov. 1998, Revue de droit pénal et de criminologie 1999, 278, 288.

کشور می‌توانند صلاحیت جهانی خود را در رابطه با جرائم علیه بشریت اعمال نمایند.^{۲۰}

ج - جرائم جنگی

جرائم جنگی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروه اول مواردی است که می‌تواند تحت عنوان تخلفات مهم از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ مطرح شود.^{۲۱} از آن جمله است جرائمی که در هنگام منازعه مسلحانه بین‌المللی ارتکاب می‌یابند. جرائمی که در کنوانسیون‌های فوق‌الذکر به‌عنوان تخلف مهم تلقی شده شامل این موارد است: کشتار عمدی، شکنجه یا رفتار غیرانسانی و فراهم آوردن موجبات رنج عظیم. دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ژنو مکلفند قوانین لازم را برای امکان محاکمه افرادی که مرتکب جرائم مزبور شده‌اند قطع نظر از تابعیت آنان از مجاری قانونگذاری بگذرانند تا بتوانند ضمن جستجو و تعقیب مجرمین، در دادرسی کیفری مربوط به این جرائم با یکدیگر همکاری نمایند. به‌موجب این کنوانسیون اعمال صلاحیت جهانی نه یک اختیار بلکه یک وظیفه برای دولت‌ها محسوب شده است:

۲۰. نک. به پیوست مقاله.

۲۱. کنوانسیون‌های ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹:

- ۱- کنوانسیون ژنو مربوط به بهبود وضع مجروحین و بیماران نیروهای مسلح در میدان جنگ
 - ۲- کنوانسیون ژنو مربوط به وضع مجروحین، بیماران، غریقان و کشتی شکستگان نیروهای مسلح در جنگهای دریایی
 - ۳- کنوانسیون ژنو مربوط به رفتار با اسیران جنگی
 - ۴- کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ
- اضافه می‌شود که دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۷۷ امضا شده است. پروتکل اول مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه غیربین‌المللی است. ضمناً دولت ایران به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو پیوسته اما به پروتکل‌های الحاقی آن نپیوسته است. (مترجم)

«هر یک از طرفین معظمین متعاقد مکلفند کسانی را، که متهم به ارتکاب یا آمر به ارتکاب هر یک از تخلفات مهم هستند، تحت تعقیب قرار داده و آنها را از هر ملیتی که باشند تسلیم دادگاههای خود نمایند. همچنین اگر ترجیح دهند و با قوانین داخلی خودشان هم مغایرتی نداشته باشد می‌توانند آنها را برای محاکمه به طرف متعاقد دیگری که ظاهراً پرونده‌ای در مورد جرم تشکیل داده است به‌منظور محاکمه تسلیم نمایند.»^{۲۲}

گروه دوم از جرائم جنگی، تخلفات مهم از ماده ۳ مشترک بین کنوانسیونهای ژنو و تخلفات مهم دیگر از قوانین و عرف‌های قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیربین‌المللی است. این تخلفات به‌طور سنتی به‌عنوان جرائمی که در حوزه صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند شناخته نشده است. اما اکنون این گرایش رو به تقویت می‌رود که نظریه مزبور دیگر قابل دفاع نیست. بی‌رحمی‌هایی که در جریان منازعات مسلحانه در یوگسلاوی سابق و رواندا اتفاق افتاد آشکارا به دیدگاه اخیر کمک کرده است. شورای امنیت، دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا را به‌طور مشخص مأمور محاکمه مرتکبین جرائم مهم مذکور در ماده ۳ مشترک و پروتکل شماره ۲ نمود. به دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی اگرچه به‌طور مشخص چنین صلاحیتی اعطا نشده است اما دادگاه مزبور در پرونده تادیچ Tadic چنین حکم داده است که به‌موجب حقوق بین‌الملل عرفی تخلفات مهم از ماده ۳ مشترک قابل تعقیب بوده و دادگاه در رابطه با جرائم مذکور دارای صلاحیت است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به‌دقت تخلفات مهم قابل اجرا در منازعات

۲۲. ماده ۴۹ کنوانسیون یکم و ماده ۵۰ کنوانسیون دوم و ماده ۱۲۹ کنوانسیون سوم و ماده ۱۴۶ کنوانسیون چهارم.

مسلحانه داخلی را که در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد بر شمرده است.^{۲۳} اکنون دشوار است که بفهمیم چرا دادگاه‌های داخلی نتوانند بر اساس صلاحیت جهانی به محاکمه این جرائم پردازند. قطعنامه اخیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در خصوص وضعیت حقوق بشر در سیرالئون، خود مؤیدی بر این نتیجه‌گیری است. این قطعنامه که با یک رأی مخالف به تصویب رسید مقرر می‌نماید که رژیم صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم ارتكابی چه در منازعات مسلحانه بین‌المللی و چه در منازعات داخلی قابل اجراست تا آنجا که دولتها نه فقط می‌توانند این صلاحیت را اعمال نمایند بلکه آنها می‌بایست مرتکبین تخلفات مهم در منازعه مسلحانه داخلی را تحت تعقیب قرار دهند. این نکته قابل توجه است که قطعنامه اصطلاح «تخلفات مهم»^{۲۴} را در رابطه با پاره‌ای جرائم ارتكابی در منازعات مسلحانه بین‌المللی و داخلی بکار برده است. کمیسیون:

«یادآوری می‌نماید که همه گروه‌ها و نیروها در سیرالئون که در هر منازعه مسلحانه، شامل منازعه مسلحانه‌ای که ویژگی بین‌المللی ندارد، گروگانگیری، قتل عمدی، شکنجه، یا رفتار غیرانسانی با افرادی که در درگیری‌ها شرکت فعال نداشته‌اند به‌عنوان تخلفات مهم حقوق بین‌الملل بشردوستانه تلقی می‌شود و همه کشورها تعهد دارند که متهمین به ارتكاب این جرائم یا آمرین به آنها را تحت تعقیب قرار دهند و این اشخاص را قطع نظر از تابعیت آنان در دادگاه‌های داخلی خود مورد محاکمه قرار دهند».^{۲۵}

۲۳. ماده (ج) (۲) و (ج) (۲) ۸ اساسنامه.

24. Grave breaches.

۲۵. قطعنامه شماره ۱۹۹۹/۱ مورخ ۶ آوریل و ۱۹۹۹ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد.

فهرستی بلندتر از جرائم جنگی (که هم در منازعات مسلحانه بین‌المللی و هم منازعات مسلحانه داخلی قابل اجراست) در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به چشم می‌خورد. البته این روشن است که هدف از تعاریف مذکور در ماده ۸ تعریف جرائم جنگی به شرحی است که در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد. اما می‌توان بر آن بود که این مقررات به‌عنوان انعکاس موضع حقوق بین‌الملل عرفی نسبت به تخلفات حقوق جنگ تلقی می‌گردد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این جرائم در حوزه اصل صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند.

د - شکنجه

به موجب کنوانسیون سازمان ملل در مورد شکنجه، هر دولت عضو هر کس را که متهم به ارتکاب شکنجه است و در قلمرو او یافت می‌شود در صورتی که نخواهد وی را مسترد نماید، می‌بایست در دادگاههای داخلی خود محاکمه نماید.

«هریک از کشورهای عضو که شخص متهم به ارتکاب هر کدام از جرائم مذکور در ماده ۴ را که در قلمرو وی یافت شود در موارد مذکور در ماده ۵ چنانچه نخواهد وی را مسترد نماید می‌بایست به اتهام وی در مراجع صلاحیتدار رسیدگی نماید».^{۲۶}

بنابراین تعهد دولت‌ها محدود به اشخاصی است که در قلمروی آنها یافت می‌شوند و برخلاف کنوانسیون‌های ژنو شامل مواردی نخواهد بود که متهم در قلمرو یکی دیگر از دولت‌های عضو یافت شود. دادستان باید با

۲۶. کنوانسیون منع شکنجه، سابق‌الذکر.

جرائم مذکور همان برخورداری را داشته باشد که در فرض وقوع در قلمرو وی خواهد داشت. از آنجا که دادستان از سوی نظام حقوقی بین‌المللی عمل می‌کند وقوع جرم در خارج از حوزه دادستان به صلاحیت وی آسیبی نمی‌رساند.

دولتهایی که به کنوانسیون منع شکنجه نپیوسته‌اند بدون آن که ملزم باشند می‌توانند با استناد به حقوق بین‌الملل عرفی صلاحیت جهانی خود را در رابطه با شکنجه اعمال نمایند. دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی براین نظر است که اختیار دولتها در تحقیق، تعقیب و مجازات یا استرداد اشخاصی که متهم به ارتکاب شکنجه هستند و در قلمرو آنها یافت می‌شوند یکی از نتایج امری بودن^{۲۷} قاعدهٔ مورد قبول جامعه جهانی است که به موجب آن شکنجه ممنوع اعلام شده است.^{۲۸} بنابراین کسانی که متهم به ارتکاب شکنجه در قلمرو دولتی هستند که عضو کنوانسیون منع شکنجه نیست، ممکن است براساس صلاحیت جهانی مورد محاکمه قرار گیرند. نمونه‌های آن محاکماتی است که اخیراً در انگلستان و فرانسه در مورد اتباع سودان و موریتانی به لحاظ ارتکاب شکنجه در سودان و موریتانی به راه افتاده است.^{۲۹} سودان و موریتانی هیچکدام عضو کنوانسیون منع شکنجه نیستند.

۵- سایر جرائم

اصل صلاحیت جهانی حسب طبع خود تنها در موارد محدودی می‌تواند اجرا شود. در حال حاضر شاید عاقلانه‌تر این است که به جای رجوع

27. Jus cogens.

28. Prosecutor v. Anton Furundzija, ICTY, 10 Dec. 1998, par. 156, 38 I.L.M. 346 (1999).

۲۹. نک. به بیوست مقاله.

به فهرستی گسترده از جرائم، جرائمی را که آشکارا در حاکمیت حقوق بین‌الملل موجود قرار می‌گیرند مورد ملاحظه قرار دهیم. با وجود این شمار جرائمی که به موجب حقوق بین‌الملل در حوزه صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند روبه افزایش است. مثلاً ارتکاب «ربودن اشخاص» (در شرایطی که از جرائم علیه بشریت تلقی نشود) اخیراً به موجب کنوانسیون آمریکایی ناظر به ربودن اشخاص به عنوان جرمی تلقی شده است که در قلمرو صلاحیت جهانی قرار دارد.^{۳۰} این ابتکار منطقه‌ای در سطح جهانی مورد پذیرش قرار گرفته است. اعلامیه سازمان ملل در مورد حمایت از همه اشخاص در قبال ناپدید شدن اجباری متضمن مقرراتی در مورد اعمال صلاحیت جهانی در خصوص اشخاصی است که مسؤول ارتکاب چنین جرمی می‌باشند.^{۳۱}

۵ - رابطه صلاحیت جهانی با دادگاههای کیفری بین‌المللی

صلاحیت دادگاه کیفری یوگسلاوی و دادگاه کیفری رواندا مقدم بر صلاحیت محاکم داخلی است. به این معنا که «دادگاه بین‌المللی می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی رسماً از دادگاههای ملی بخواهد که رسیدگی به موضوع را به دادگاه بین‌المللی واگذار نمایند».^{۳۲} البته مواردی پیش آمده است که دادگاههای داخلی از قبول تقدم صلاحیت دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی امتناع نموده‌اند. در مقابل، بسیاری از دادگاههای خارج از قلمرو

30. Inter-American Convention on the Forced Disappearance of Persons, signed 9 June 1994.

31. United Nations Declaration on the Protection of all Persons from Enforced Disappearance, U.N. GAOR Res. 47/133, art. 14, 18 Dec. 1992.

۳۲. ماده ۹ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری مربوط به یوگسلاوی و ماده ۸(۲) اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا.

یوگسلاوی سابق و رواندا که صلاحیت جهانی را پذیرفته‌اند تقدم صلاحیت دادگاههای بین‌المللی مذکور را پذیرفته‌اند.

اما رابطه بین دادگاههای داخلی و دیوان کیفری بین‌المللی متفاوت است. دیوان کیفری بین‌المللی برخلاف دادگاههای داخلی به‌خودی‌خود صلاحیت جهانی ندارد. در غیرصورتی که شورای امنیت وضعیتی را به دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی ارجاع نماید، دیوان مزبور تنها در شرایطی می‌تواند برای رسیدگی به جرم اعمال صلاحیت نماید که جرم در قلمرو دولتی که عضو اساسنامه است اتفاق افتاده باشد یا این که متهم تبعه یکی از دولتهای عضو اساسنامه باشد.^{۳۳} بنابراین دیوان کیفری بین‌المللی باید صلاحیت خود را براساس اصل سرزمین یا اصل تابعیت متهم^{۳۴} اعمال نماید. این موضوع خلأ بزرگی را برجای خواهد نهاد که تنها از طریق اعمال صلاحیت جهانی از سوی دادگاههای داخلی می‌تواند پرشود. بر همین مبناست که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی براهمیت رسیدگی محاکم داخلی تأکید می‌نماید. در مقدمه اساسنامه یادآوری شده است که «این وظیفه هر یک از دولتهاست که صلاحیت کیفری خود را در مورد کسانی که مسؤول جرائم بین‌المللی هستند اعمال نمایند». بدینگونه در واقع به محاکماتی که در خارج از قلمرو دولتی که جرم در آن واقع شده است به‌طور تلویحی ارجاع داده شده است. چه در مقدمه و چه در ماده ۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصریح شده است که دیوان تکمیل‌کننده دادگاههای کیفری ملی است. دیوان تنها در صورتی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند که احراز نماید دولتی که صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد نمی‌خواهد یا نمی‌تواند به تحقیق و تعقیب موضوع پردازد. «دولتی که

۳۳. ماده (۲) ۱۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

34. Active personality principle.

صلاحیت دارد» ممکن است دولت‌هایی غیر از دولتی که جرم در قلمرو او واقع شده است باشد مثل دولتی که صلاحیت خود را براساس اصل صلاحیت جهانی اعمال می‌نماید. بررسی این که دولت موردنظر نمی‌خواهد یا نمی‌تواند به موضوع رسیدگی نماید، موجب خواهد گردید که فشاری از سوی دیوان کیفری بین‌المللی به مقامات دولت ذیربط وارد آید تا آنان را وادار به رسیدگی به موضوع نماید.

۶- موانع اعمال صلاحیت جهانی

بررسی تطبیقی مواردی که علیه متهمان به ارتکاب جرائم سنگین حقوق بشری پرونده‌هایی تشکیل شده است نشان می‌دهد که موانعی چه نظری و چه عملی بر سر راه ایستاده است. پاره‌ای از این مشکلات ممکن است در هر پرونده کیفری حقوق بین‌الملل به وجود آید. از جمله آنهاست مسأله مرور زمان، مسؤولیت فرماندهی، دستور مقامات مافوق و مسائل مربوط به جنسیت. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی متنی است که اخیراً قواعد حقوق بین‌المللی را که در این زمینه قابل اجراست تنظیم نموده است. اما پاره‌ای دیگر از مشکلات، ویژه محاکماتی است که براساس صلاحیت جهانی انجام می‌گیرند که آنها را در اینجا به‌نحو مفصل‌تری مورد بحث قرار خواهیم داد. این موارد شامل فقدان قانونگذاری مناسب، فقدان دستگاه تخصصی رسیدگی‌کننده، مصونیت‌ها، عفو، مسائل مربوط به ادله و ضعف نظارت بین‌المللی است.

الف - فقدان قانونگذاری مناسب

سابقاً در پرونده لوتوس^{۳۵} دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری گفته بود که سرزمینی بودن حقوق کیفری یک اصل مطلق حقوق بین‌المللی نیست. دیوان خاطر نشان کرد که هر یک از دولتها در پذیرش اصول اعمال صلاحیت کیفری و حقوقی به هر نحو که مناسب است آزادند مشروط به این که از حدودی که حقوق بین‌الملل در مورد صلاحیت آنها وضع نموده است تجاوز نمایند.^{۳۶} اما دولتها در عمل تلاش کرده‌اند که محدودیت بیشتری را بپذیرند. مسأله اعمال صلاحیت جهانی بر مسائل کیفری بی‌تردید از این موارد است. دولتها همواره بی‌میلی خود را نسبت به اعمال چنین صلاحیتی بدون آن که حقوق بین‌الملل به‌طور مشخص چنین اجازه‌ای را به آنان داده باشد نشان داده‌اند. علاوه بر این، دادگاههای داخلی نیز نشان داده‌اند که در شرایطی که مقررات صریحی در قوانین داخلی صلاحیت جهانی را تجویز نمی‌نماید تمایلی برای محاکمه اشخاص براساس صلاحیت جهانی ندارند. این نه تنها بدان خاطر است که دادگاهها تمایلی برای مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر ندارند بلکه می‌خواهند که با اصل قانونی بودن جرم و مجازات در تعارض قرار نگیرند.

۳۵. ماجرای معروف Lotus مربوط است به برخورد کشتی مسافربری فرانسوی بنام لوتوس که در سال ۱۹۲۶ در دریای آزاد با کشتی زغال‌کش ترکیه برخورد نمود و در نتیجه آن ۸ نفر از خدمه کشتی ترک کشته شدند. پس از این که کشتی لوتوس در بندر قسطنطنیه پهلو گرفت مقامات ترکیه افسر نهبان و ملوانان فرانسوی را دستگیر و سپس محاکمه و زندانی نمودند. دولت فرانسه شدیداً به این امر اعتراض کرد و مسأله - با توافق طرفین - به دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری ارجاع شد. به نظر دولت فرانسه، صلاحیت رسیدگی به موضوع تصادم به عهده دادگاههای فرانسه - به عنوان دولت صاحب پرچم - بوده و ترکیه صلاحیت رسیدگی به موضوع را نداشته است. دیوان اعتراض دولت فرانسه را نپذیرفت و دولت ترکیه را صالح برای رسیدگی کیفری دانست. (مترجم)

36. The case of the S.S. Lotus (France v. Turkey), Permanent Court of International Justice, 7 Sept. 1927, Ser. A, No. 10.

البته دولتها آزادند تا روشی را که می‌خواهند مطابق آن به تعهدات بین‌المللی خود عمل نمایند برگزینند. این وضعیت به آنها امکان می‌دهد تا مؤثرترین روش را در حقوق داخلی انتخاب نمایند. در این رابطه دو دیدگاه را می‌توان در عمل از یکدیگر تفکیک نمود. براساس دیدگاه اول قانون داخلی به شکل کلی مقرر می‌نماید که این جرائم در حوزه صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند، هرگاه دولت مزبور به موجب تعهد بین‌المللی موظف باشد که صلاحیت جهانی اعمال نماید. در این فرض کافی است که مقررات حقوق کیفری به کنوانسیون‌های موردنظر اشاره نمایند. نمونه‌هایی از این قانونگذاری را می‌توان در قوانین دانمارک، آلمان و سویس پیدا کرد. اما براساس دیدگاه دوم، می‌بایست قانونگذار داخلی جرائمی را که مشمول صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند بطور مشخص تعریف و تعیین کرده باشد. نمونه این روش قوانینی است که در بسیاری از کشورهای مشترک المنافع درخصوص کنوانسیون‌های ژنو وضع و تصویب شده است.

هرکدام از این دو روش که برگزیده شود می‌تواند بحث‌انگیز باشد. روش اول دارای این امتیاز است که انعطاف پذیری زیادتری دارد. توسعه و تحولات نوین حقوق بین‌الملل می‌تواند بدون هیچ نیازی به تغییر قوانین داخلی اجرا شود. اما عیب آن این است که مقامات قضایی داخلی ممکن است تمایلی برای اجرای مفاهیم حقوق بین‌الملل که با آن آشنا نیستند و به‌وضوح و صراحت در قوانین داخلی تعریف نشده‌اند نداشته باشند. براین اساس، دادگاههای داخلی نشان داده‌اند که تمایلی ندارند تا تخلفاتی نظیر جرائم علیه بشریت را که در حقوق بین‌الملل عرفی اجمالاً تعریف شده‌اند تعقیب نمایند. اما دیدگاه دوم با چنین مانعی مواجه نیست. مقامات داخلی

براساس چارچوب حقوقی که مورد شناسائی آنهاست عمل خواهند کرد. اما به هر حال اشکال این روش سختی و صعوبت آن است.

با توجه به این روشهای مختلف قانونگذاری، تعجب آور نیست که چرا تلاشهایی که برای ارائه قانون نمونه در خصوص حقوق بشردوستانه بین‌المللی به‌عمل آمده موفق نبوده است. تلاشهایی که در این زمینه در کنگره بین‌المللی حقوق کیفری و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ انجام شد نتوانست حمایت لازم دولتها را به‌خود جلب نماید و بدین ترتیب دیگر تلاشی برای پیشنهاد قانون نمونه انجام نگرفت. به‌نظر می‌رسد که تنها شمار اندکی از دولتها به‌موجب اصل صلاحیت جهانی به دادگاههای خود صلاحیت ویژه‌ی مربوط به محاکمه برخی از جرائم سنگین حقوق بشری را داده‌اند.^{۳۷} در این کشورها نیز قانونگذاری چندان هماهنگی وجود ندارد. مثلاً قوانین مربوط به اجرای کنوانسیون نسل‌کشی، امکان اعمال صلاحیت جهانی با تکیه به اصل مزبور را پیش‌بینی نکرده‌اند. دلیل این امر آن است که کنوانسیون نسل‌کشی صراحتاً دولتهای عضو را ملزم به این کار نکرده است. همچنین، فقدان مقررات معاهداتی در خصوص اعمال صلاحیت جهانی در مورد جرائم علیه بشریت و جرائمی که در هنگام منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی اتفاق می‌افتند نشان می‌دهد که چرا تنها شمار اندکی از دولتها مقرراتی وضع کرده‌اند که به‌موجب آن می‌توان در ارتباط با این جرائم به

^{۳۷} براساس تحقیقی که اخیراً انجام شده است، اعمال صلاحیت جهانی در خصوص همه تخلفات مهمی که در کنوانسیون‌های ژنو آمده (که بیشترین موارد پذیرش اعمال صلاحیت جهانی را به خود اختصاص می‌دهد) فقط از سوی ۳۰ کشور پذیرفته شده است:

Richard van Elst, *Implementing Universal Jurisdiction over Grave Breaches of the Geneva Conventions*, 13 *Leiden, J.Int'l. L.* 815 (2000).

البته شمار این دولتها رو به افزایش است زیرا دولتها در حال تطبیق قوانین داخلی خود با اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی هستند.

صلاحیت جهانی استناد نمود. به همین دلیل است که دادگاههای داخلی معمولاً به استناد این که در قوانین داخلی مبنای حقوقی کافی وجود ندارد از اعمال صلاحیت جهانی در مورد این جرائم سر باز می‌زنند. دادگاههای استرالیا، فرانسه و سویس از این نمونه‌اند.^{۳۸}

عجیب آن که قانونگذاری بعضی از دولتها که صلاحیت جهانی را پیش‌بینی کرده است برای این صلاحیت محدودیت مکانی و زمانی قائل شده‌اند. یعنی صلاحیت جهانی را در مورد جرائمی که در محدوده جغرافیایی معین و در مدت زمان مشخصی ارتکاب یافته پذیرفته‌اند. نمونه‌ای از این‌گونه قوانین، قانونی است که در سال ۱۹۹۱ در انگلستان به تصویب رسید و عنوان گمراه‌کننده «قانون جرائم جنگی» را دارد. به‌موجب این قانون تنها اتباع بریتانیایی یا اشخاص مقیم بریتانیا که مرتکب پاره‌ای جرائم جنگی در آلمان یا قلمرو اشغالی آلمان در دوران جنگ دوم جهانی شده‌اند قابل محاکمه هستند.^{۳۹} موارد معدودی پیش آمده است که مشمول این قانون شده باشد. نمونه دیگر قانونی است که در فرانسه تصویب شده و به‌موجب آن دادگاه‌های فرانسه می‌توانند صلاحیت جهانی را در رابطه با جرائم علیه بشریت و نسل‌کشی تنها در قبال جرائمی که در منازعات (اخیر) یوگسلاوی سابق و رواندا اتفاق افتاده است اعمال نمایند.

بسیاری از دولتها نیز ضمن پذیرش صلاحیت جهانی، قلمرو آن را محدود به متهمینی نموده‌اند که در سرزمین آنها یافت شوند.^{۴۰} در رابطه با شکنجه نیز دولتهای عضو کنوانسیون منع شکنجه ممکن است چنین تفسیری از ماده (۲) ۷ کنوانسیون داشته باشند. به هر حال، چنین

۳۸. نک. به پیوست این مقاله.

39. War Crimes Act 1991, par. 1(Eng.). Australia has a similar law.

۴۰. مثل ماده ۸ قانون مجازات اسلامی در ایران، مترجم.

محدودیت‌هایی با مقررات مربوط به تخلفات مهم از کنوانسیون‌های ژنو سازگار نیست زیرا این کنوانسیون‌ها از دولتهای عضو خواسته‌اند تا به تعقیب متهمین اقدام نموده و آنان را - هر جا که باشند - تسلیم دادگاههای خود نمایند. دادگاههای آلمان از این فراتر رفته و محدودیت‌های بیشتری را در نظر گرفته و برآند که برای اعمال صلاحیت می‌بایست رابطه‌ای بین آلمان و متهم وجود داشته باشد (مثلاً اقامت طولانی در آلمان یا ازدواج با تبعه آلمان). این که گفته می‌شود اعمال صلاحیت بدون چنین ارتباطی موجب دخالت در امور داخلی دولتی است که جرم در قلمرو آن واقع شده، آشکارا تصور نادرستی است. چه به موجب حقوق معاهداتی و چه به موجب حقوق بین‌الملل عرفی، اعمال صلاحیت جهانی نسبت به مرتکبان نقض سنگین حقوق بشر به هیچ نوع ارتباط بین دولت رسیدگی کننده به جرم و متهم نیازی ندارد. بلژیک راه اعطاء صلاحیت به مقامات قضایی داخلی برای محاکمه متهمینی که در آن کشور حضور ندارند را نشان داده است. مختصر این که تنها تعداد کمی از دولتها قوانینی مناسب برای اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری را دارند. تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی موقعیت مناسبی به دولتها اعطاء کرده است تا قانونگذاری داخلی خود را مورد بازبینی قرار داده و اطمینان حاصل نمایند که دادگاههای آنها می‌توانند صلاحیت جهانی را در رابطه با جرائم مذکور در اساسنامه اعمال نمایند.

ب - فقدان نهادهای تخصصی

تحقیق و تعقیب جرائم براساس صلاحیت جهانی به مهارتهای ویژه‌ای چه از نظر دانش تعقیب جرائم در خارج از کشور و چه دانش

تخصصی کیفری بین‌المللی نیازمند است. این بدان معناست که واحدهای تخصصی بیانگر اراده سیاسی برای مبارزه با جرائم سنگین حقوق بشری - در هر جا که اتفاق افتد - باید تشکیل شود. کارکنان این واحدها باید علاوه بر تصدی تحقیقات در مورد جرائم بین‌المللی با دادگاههای کیفری بین‌المللی نیز در ارتباط باشند. این یک واقعیت است که واحدهای مربوط به جرائم جنگی که در استرالیا، کانادا و بریتانیا تشکیل شده‌اند در مورد تعقیب پرونده‌های جنگ دوم جهانی چندان موفق نبوده‌اند. اما این ضعف موفقیت بیشتر مربوط به مشکلات تعقیب جرائمی است که در ۵۰ سال پیش یا بیشتر اتفاق افتاده‌اند و نباید به‌عنوان دلیلی بر غیرمفید بودن نهادهای تخصصی محسوب شود.

ج - مصونیت‌ها

از آنجا که جرائم حقوق بشری بر حسب تعریف معمولاً توسط اشخاصی ارتکاب می‌یابند که از سوی یک دولت یا با رضایت یا سکوت یک دولت عمل نموده‌اند، این مسأله مطرح می‌شود که آیا متهم به این جرائم به دلیل موقعیت و مقام رسمی از مسؤولیت کیفری معاف است یا خیر. این نکته که موقعیت رسمی افراد مانع مسؤولیت کیفری آنان در مورد جرائمی که در قلمرو حقوق بین‌الملل ارتکاب یافته نمی‌گردد به‌طور مشخص در منشور نورنبرگ^{۴۱} و اساسنامه‌های دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق^{۴۲} و دادگاه کیفری رواندا^{۴۳} مورد تصریح قرار گرفته است. در

۴۱. ماده ۷ منشور نورنبرگ.

۴۲. ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی.

۴۳. ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا.

کنفرانس رم که در سال ۱۹۹۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را تدوین نمود چنین مقرر گردید:

«سمت رسمی رئیس دولت، یک عضو دولت یا مجلس، نماینده انتخابی یا نماینده یک دولت به هیچوجه یک شخص را از مسؤولیت کیفری که به موجب این اساسنامه بر عهده دارد معاف نخواهد کرد. همچنان که وجود سمت‌های مذکور به تنهایی علتی برای تخفیف مجازات نخواهد بود».^{۴۴}

مقرره فوق‌الذکر البته مختص به دادرسی‌هایی است که در دیوان کیفری بین‌المللی انجام می‌گیرد. در عین حال دادگاه کیفری یوگسلاوی در مورد شکنجه چنین می‌گوید که قاعده مزبور یک قاعده «بدون تردید کاشف از حقوق بین‌المللی عرفی»^{۴۵} است. بنابراین قاعده مزبور ظاهراً در دادرسی‌هایی که در دادگاههای داخلی نیز انجام می‌گردد قابل اجراست. این استدالات اگرچه در مورد جرم شکنجه عنوان می‌شود اما می‌توان بر آن بود که همان اصل در مورد سایر جرائم تابع صلاحیت جهانی نیز قابل اجراست. در حقیقت، به نظر می‌رسد که مفهوم مصونیت کیفری از جرائم موضوع حقوق بین‌الملل که از سوی مقامات رسمی ارتکاب می‌یابد، اعم از این که مرتکب اکنون نیز مقام رسمی باشد یا این که در گذشته دارای مقام رسمی بوده است، با این نظر که جرائم سنگین حقوق بشری در قلمرو صلاحیت جهانی قرار دارند به شدت ناسازگار است. به همین دلیل است که قانون اخیر بلژیک صراحتاً مقرر نموده است که مصونیت مربوط به سمت رسمی

۴۴. ماده (۱) ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

45. Furundzija Judgment, ICTY, 10 Dec. 1998, par. 140, 38 I.L.M. 346 (1999).

اشخاص مانع از مسؤولیت کیفری آنان، در صورتی که مرتکب نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی شده باشند نخواهد بود.^{۴۶}

متأسفانه، نمی‌توان گفت که رویه دادگاه‌های داخلی در قبال پرونده‌هایی که اخیراً در این مورد مطرح شده است همگی از همین دیدگاه تبعیت می‌نمایند. مجلس اعیان بریتانیا در رأی مهمی که در پرونده پینوشه صادر نمود چنین ابراز داشت که به موجب قوانین بریتانیا رئیس سابق یک دولت که متهم به ارتکاب شکنجه است دارای مصونیت نیست. با وجود این تردیدی وجود ندارد که رؤسای دولت «شاغل در پست» از چنین مصونیتی برخوردارند.^{۴۷} دیوانعالی کشور فرانسه در رأی مورخ ۱۳ مارس ۲۰۰۱ خود به همین مقدار اکتفا کرد که سرهنگ معمر قذافی را نمی‌توان در فرانسه به دلیل شرکت در انفجار هواپیمای فرانسوی در سال ۱۹۸۹ تحت تعقیب قرارداد به این دلیل ساده که رئیس دولت لیبی از مصونیت تعقیب برخوردار است.

د - عفو

یکی از مسائلی که هنوز سابقه قضایی برای آن یافت نشده اما ممکن است دیر یا زود مورد سؤال قرار گیرد این است که آیا دادگاه‌های داخلی دولتهای ثالث باید به عفو که از سوی دولت سرزمینی صادر می‌شود ترتیب اثر بدهند یا خیر.

46. Loi relative à la répression des infractions graves de droit international humanitaire, art. 5(3), 10 Feb. 1999, Moniteur Belge, 23 Mar. 1999. English trans. In 38 I.L.M. 918(1999).

47. در انگلستان به موجب قانون State Immunity Act رؤسای دولتها از مصونیت مطلق تعقیب برخوردارند. کمیته منع شکنجه از انگلیس خواسته است که این قانون را به منظور انطباق با کنوانسیون منع شکنجه اصلاح نماید:

U.N. Doc. CAT/C/SR.36, par. 11(27 Nov. 1998).

چنین استدلال شده است که حقوق بین‌الملل صدور حکم عفو در مورد مرتکبین جرائم سنگین حقوق بشری را ممنوع می‌شمارد. اگر چنین چیزی درست باشد عفو دولت سرزمینی کان لم یکن تلقی می‌شود و نمی‌تواند مانع دادرسی در کشور دیگر شود. رویه بین‌المللی به‌طور قابل ملاحظه‌ای، گرچه نه کاملاً قاطع، از این استدلال حمایت می‌کند. کمیته حقوق بشر در یکی از نظریات خود در خصوص عفو شکنجه براین عقیده است که این عفو «به‌طور کلی با وظیفه دولت‌ها در مورد تعقیب چنین اعمالی ناسازگار است».^{۴۸} مجمع عمومی سازمان ملل نیز اعلام نموده است که مرتکبین آدم‌ربایی نمی‌بایست از عفو بهره‌مند شوند.^{۴۹} کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر^{۵۰} براین عقیده است که قوانین مربوط به عفو که از تعقیب جرائمی نظیر قتل‌های سیاسی، شکنجه و آدم‌ربایی جلوگیری می‌کند با حق شکایت در مراجع قضایی ناسازگار است. به‌موجب ماده ۱۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی چنین عفو‌هایی می‌تواند نشانگر آن باشد که «آن دولت قصد ندارد یا نمی‌تواند تعقیب را به‌درستی انجام دهد». بنابراین چنین عفو‌هایی مانع از آن نمی‌شود که دیوان کیفری بین‌المللی پرونده را «قابل پذیرش» اعلام نماید.^{۵۱} در ژوئیه ۱۹۹۹، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد که وی موافقتنامه صلح سیرالئون را امضاء خواهد کرد (ماده ۹ این موافقتنامه «عفو مطلق و بی‌قید و شرط و اعطاء مهلت به جنگ‌کنندگان و همکاران آنها در رابطه با هر عملی که به‌منظور نیل به اهدافشان مرتکب شده‌اند» را

48. General Comment on art. 7; General Comment No. 20, U.N. GAOR, Hum. Rts. Comm., 44th Sess., U.N. Doc. CCPR/C/21/Rev.1/Add.3.

49. U.N. Declaration on the Protection of all Persons from Enforced Disappearance, art. 18.

50. Inter- American Commission on Human Rights.

51. Michael P. Scharf, The Amnesty Exception to the Jurisdiction of the International Criminal Court, 32 CORNELL Int'l L.J. 507(1999).

مجاز ندانسته است) مشروط به این شرط مهم که «عفو و گذشت نسبت به جرائم بین‌المللی نسل‌کشی، جرم علیه بشریت، جرائم جنگی و سایر تخلفات مهم از حقوق بشردوستانه بین‌المللی قابل اجراء نخواهد بود».

از سوی دیگر، رویه بین‌المللی در این مورد یکسان نیست. خود سازمان ملل نیز در مورد عفو مرتکبان جرائم سنگین حقوق بشری رویه ثابتی نداشته است. شاید یک رویه با اهمیت تر از سوی دولت‌ها تصمیمی است که دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی در مسأله AZAPO v. South Africa اتخاذ کرده است. دادگاه مزبور بر این نظر است که روند حقیقت‌یابی و آشتی در آن کشور که شامل عفو نیز می‌شود با حقوق بین‌الملل ناسازگار نیست و این قاعده است که مورد حمایت ادبیات حقوقی قرار دارد. گاه نیز به ماده (۵) ۶ پروتکل دوم کنوانسیون‌های ژنو استناد شده است که چنین مقرر می‌دارد:

«در پایان مخاصمات، مقامات می‌بایست تلاش کنند که گسترده‌ترین عفو را در مورد اشخاصی که در منازعات مسلحانه شرکت کرده‌اند یا آنان که به دلایل منازعات مسلحانه زندانی شده‌اند قطع نظر از محلی که در آن بازداشت شده‌اند اعطاء نمایند».^{۵۲}

همانطور که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ خاطر نشان نموده منظور از مقررات فوق‌الذکر این است که جنگ کنندگان نباید به دلیل اعمال مشروعی که در جریان مخاصمات مرتکب شده‌اند مورد مجازات قرار گیرند. ولی این بدان معنا نیست که به اشخاصی که مرتکب نقض حقوق بین‌الملل شده‌اند عفو داده شود.

۵۲. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹، در مورد حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه غیربین‌المللی، نگاه کنید به بند ۵ ماده ۶ پروتکل ۲.

در عین حال حتی اگر بپذیریم که لااقل پاره‌ای از انواع عفو با حقوق بین‌الملل ناسازگاری ندارد، نقطه محوری این است که در هر حال عفو فاقد اثر فراسرزمینی است. بنابراین عفو موجب نمی‌شود که الزامات معاهداتی یا عناوین دیگری که به موجب حقوق بین‌الملل عرفی وظیفهٔ محاکمهٔ جرائم سنگین حقوق بشری را به عهدهٔ دولت‌ها می‌نهد فاقد اثر تلقی شود. این موضوع بخصوص در مورد عفوهای پوششی که شامل عفو کننده نیز می‌شود مطرح است. شبیه به آنچه که آگوستوینوشه قبل از ترک قدرت در مورد خود و همکارانش انجام داد. همین استدلال البته در مورد عفوهای مستحسن و پسندیده نیز جریان دارد. شبیه به آنچه که از سوی کمیسیون حقیقت‌یابی و سازش در آفریقای جنوبی اتفاق افتاد. این مسأله در عمل مشکلات مهمی در پی نداشته است. دادستان که در مقام اخذ تصمیم نسبت به تعقیب متهم است می‌تواند با ملاحظهٔ جدی بودن عفو نسبت به تعقیب یا عدم تعقیب متهم اتخاذ تصمیم نماید (با فرض این که به موجب کنوانسیون‌های ژنو یا کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل الزام به تعقیب متهم وجود نداشته باشد) همینطور دادگاه در هنگام صدور رأی می‌تواند عفو متهم در کشور سرزمینی را به عنوان عامل تخفیف مجازات مورد لحاظ قرار دهد.

نهایت این که در اجرای صلاحیت جهانی محاکمهٔ متهمی که از عفو کشور سرزمینی بهره‌مند شده است در کشور دیگر مخالف با ماده (۷) ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نخواهد بود. زیرا تشریفات اعطای عفو معادل «تبرئه»^{۵۳} به مفهوم مادهٔ اخیرالذکر نیست. بنابراین محاکمهٔ متهم، مخالف با قاعده «عدم جواز محاکمه مضاعف»^{۵۴} که در آن ماده آمده است نخواهد

53. Acquittal.

54. ne bis in idem.

بود. با وجود این که چنین فرض شده که رسیدگی کمیسیون‌های حقیقت‌سازش دارای ماهیت قضایی است، اما کمیته حقوق بشر چنین نظر داده است که ماده (۷) ۱۴ مانع از آن نیست که همان جرم در کشور دیگر مورد رسیدگی قرار گیرد.^{۵۵}

هـ- مسائل مربوط به ادله

یکی از بزرگترین مشکلات مربوط به محاکماتی که براساس صلاحیت جهانی انجام می‌شوند به اجرای عملی این محاکمات مربوط است. چگونه ممکن است دلایل لازم را برای محکومیت متهم در مورد جرائم ارتكابی در کشور دیگر بدست آورد؟ مقامات کشور محل وقوع جرم به این دلیل ساده که ممکن است در ارتكاب جرائم سهیم باشند ممکن است تمایلی برای معاضدت قضایی حتی در صورتی که الزام به آن داشته باشند از خود نشان ندهند. در پاره‌ای موارد ممکن است به این موضوع قویاً اعتراض نموده و فعالانه سعی در خنثی کردن تحقیقات داشته باشند. دادگاه‌های بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا با وجود این که از سوی شورای امنیت پشتیبانی می‌شوند با مشکلاتی در مورد همکاری لازم از سوی مقامات دولتهای سرزمینی مواجه شده‌اند. مشکل دیگری که وجود دارد این است که شاهدان ماجرا غالباً در قلمرو دولتهای دیگر بسر می‌برند. حتی در صورتی که به آنان دسترسی نیز وجود داشته باشد ممکن است از بیم برخورد با خود یا خانواده آنان تمایلی به شهادت دادن نداشته باشند. به‌علاوه لازم است که اسناد بسیاری ترجمه شود. بنابراین انجام تحقیق

55. A.P. v. Italy, Comm. No. 204/1986, 2 Nov. 1987, U.N. Doc. A/43/40, at 242; See generally International Covenant on Civil and Political Rights, adopted 16 Dec. 1966.

بر اساس صلاحیت جهانی به نحو قابل ملاحظه‌ای گرانستر و وقت گیرتر از تحقیقات متعارف در قلمرو دولت سرزمینی است.

با ملاحظه مشکلات فوق، «اعلامیه سازمان ملل در مورد اصول همکاری بین‌المللی در بازداشت، دستگیری، استرداد و مجازات مجرمان جنایات جنگی و جرائم علیه بشریت» تصریح نموده است که دولت‌ها باید در جمع‌آوری اطلاعات و دلایلی که به محاکمه اشخاصی که مرتکب جنایات جنگی و جرائم علیه بشریت شده‌اند با یکدیگر همکاری نمایند. بعضی از معاهداتی که صلاحیت جهانی را پیش‌بینی نموده‌اند دولتهای متعاقد را موظف کرده‌اند که با یکدیگر در تحقیق و تعقیب این جرائم همکاری‌های قضایی داشته باشند. این مقررات مکمل معاهدات دوجانبه یا چند جانبه معاضدت قضایی در امور کیفری است که بین دولتهای مورد بحث در جریان است. فهرست مفیدی از انواع معاضدت‌های قضایی که در این زمینه مورد نیاز است در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ذکر شده است. این معاضدت‌ها شامل همکاری برای شناسایی افراد، مکان آنها، محل اشیاء، تحصیل دلیل، ابلاغ اسناد، معاینه محل، اجرای تحقیق و توقیف، تدارک سوابق و اسناد و حمایت از قربانیان و شهود خواهد بود.^{۵۶}

محدوده‌ای که دولت‌ها درخواست‌های معاضدت قضایی را برای تحقیق و تعقیب جرائم سنگین حقوق بشری مورد پذیرش قرار می‌دهند شناخته شده نیست. اما یک بررسی کوتاه نشان می‌دهد که تا وضعیت مطلوب فاصله زیادی باقی است. معاضدت‌های حقوقی دوجانبه معمولاً به اندازه کافی دشوار است. غالباً مذاکرات ظریفی لازم است که نیازهای یک مرجع قضایی بتواند با رویه مرجع دیگر پیوند برقرار نماید. بیشتر احکام

۵۶. ماده (۱) ۹۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی؛ همچنین نک. به ماده ۲۹ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا.

محکومیتی که براساس صلاحیت جهانی صادر شده به استناد شهادت شاهدانی بوده است که در قلمرو دولت تعقیب کننده بوده‌اند بدون آن که همکاری قابل توجهی از سوی مقامات دولت سرزمینی به عمل آمده باشد. معاضدت‌های قضایی خارجی نیز که انجام شده نه از طریق مقامات رسمی بلکه از طریق تماس‌های شخصی تحقیق کنندگان انجام شده است.

به جز موضوع معاضدت‌های قضایی، دولت‌ها می‌توانند اقدامات یکجانبه دیگری به منظور تسهیل تحقیقات و تعقیب جرائم سنگین حقوق بشری که در خارج ارتکاب یافته است انجام دهند. به‌طور مشخص، روش‌های تحصیل دلیل از خارج و روش‌های کاستن از استناد به شهادت مستقیم شفاهی می‌تواند راهگشا باشد. برای نمونه یک قاضی تحقیق بلژیکی برای تحقیق در مورد جرائم ارتكابی در رواندا گروه‌هایی را به رواندا، توگو و غنا اعزام کرد.^{۵۷} [اعضای] یک دادگاه سوئسی به منظور معاینه محل وقوع جرم و جمع‌آوری و استماع شهادت شهودی که مایل یا قادر به سفر به سوئیس نبودند به رواندا عزیمت نمودند.^{۵۸} دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی از شهادت نامه‌های کتبی و برقراری ارتباط ویدئویی به‌عنوان دلیل در محاکمه استفاده نمود.^{۵۹}

برخی از این پیشنهادات ممکن است به‌نظر حقوق‌دانان سنتی نوعی بدعت تلقی شود، اما به هر حال باید به آنها خاطر نشان کرد که در کشورهای کاملاً هیچ تعقیبی براساس صلاحیت جهانی موفق نبوده است. مهم‌ترین دلیل این مسأله آن است که اصول و قواعد حاکم بر ادله

۵۷. نک. به پیوست مقاله.

۵۸. نک. به پیوست مقاله.

۵۹. نک. به قاعده ۷۱ و ۹۰ آئین دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی در آدرس زیر:

www.un.org/icty/basic.html.

اثبات دعوی به ویژه در آنجا که تکیه بر شهادت نامه‌های کتبی است در این کشورها محدودیت بیشتری دارند. به همین دلیل است که به موجب گزارشی که در سال ۱۹۹۶ تحت نظارت وزارت کشور انگلستان تنظیم شد، آمده است که اعمال صلاحیت جهانی در بریتانیا تنها در صورتی ممکن است که مقررات مربوط به قابل پذیرش بودن ادله براساس آنچه در سطور فوق پیشنهاد شده است مورد بازنگری قرار گیرند.^{۶۰}

و- مؤثر نبودن نظارت بین‌المللی

یک عامل (اگر نگوئیم «مانع» با عنایت به توضیحات بندهای پیشین) کمک‌کننده به توفیق نیافتن دولت‌ها در اجرای تعهدات بین‌المللی در رابطه با صلاحیت جهانی چه از منظر نظری و چه از منظر عملی فقدان نظارت نظام‌مند بین‌المللی است.

در میان معاهدات بین‌المللی ناظر به اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری تنها کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل است که بدنه نظارتی خویش را معین نموده است.^{۶۱} متأسفانه، کمیته منع شکنجه در هنگام بررسی گزارش‌های اجرای کنوانسیون از سوی کشورهای عضو به مقررات صلاحیت جهانی مذکور در کنوانسیون چندان توجهی نکرده است.

در حالی که کمیته مزبور مرتباً نیاز به تدوین قوانین را مورد توجه قرار می‌دهد، سالهاست که توجه اندکی به اجرای عملی این قانونگذاری در

60. UK Home Office Report, Steering Committee Report, Review of Extra-Territorial Jurisdiction 25 (July 1996).

۶۱. با وجود این که کنوانسیونهای ژنو فاقد بدنه نظارتی هستند، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از طریق بخش خدمات مشورتی حقوق بشردوستانه بین‌المللی، کارهای مفیدی به منظور کمک به دولتهای عضو برای پذیرش قوانین مناسب در زمینه صلاحیت جهانی ارائه نموده است.

موضوعات فردی مبذول نموده است.^{۶۲} تنها بعد از ماجرای ژنرال پینوشه که در سال ۱۹۹۸ در انگلستان دستگیر شد کمیته توصیه نامه مهمی در رابطه با اجرای عملی اعمال صلاحیت جهانی در یک مورد معین صادر نمود:

«نهایتاً کمیته توصیه می‌نماید که در موضوع سناتور پینوشه از شیلی، مسأله به اداره دادستانی عمومی به‌منظور بررسی امکان دادرسی کیفری در انگلستان ارجاع داده شود. مشروط به این که تصمیم به استرداد وی گرفته نشود. این کار پاسخگوی تعهدات دولت در اجرای مواد ۴ تا ۷ کنوانسیون و ماده ۲۷ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ درخصوص حقوق معاهدات است».^{۶۳}

اگر کمیته موضع تهاجمی‌تری درخصوص صلاحیت جهانی اتخاذ می‌نمود مفید بود. مثلاً می‌توانست به‌عنوان «دیدگاهی کلی» چنین مقرر نماید که صلاحیت جهانی فقط در قانون پذیرفته نشده است بلکه باید مورد عمل نیز قرار گیرد و دولت‌های عضو باید در تحقیقات مربوط به پرونده‌ها با یکدیگر همکاری‌های قضایی متقابل داشته باشند.

همانگونه که در سطور فوق خاطر نشان گردید تصمیمات شورای امنیت در خصوص تأسیس و حمایت از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا حرکت قابل توجهی به‌سوی اجرای اصل صلاحیت جهانی است. براساس این تصمیمات، از دولتها خواسته شده است اشخاصی را که متهم به ارتکاب جرائمی که در صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی

۶۲. تنها در دو مورد کمیته از دولت‌های عضو سؤال کرده است که چرا با توجه به مقررات صلاحیت جهانی در کنوانسیون اقدام به تحقیق (و تشکیل پرونده) نکرده‌اند. این دو مورد مربوط است به سؤال از هلند در رابطه با سفر ژنرال پینوشه در سال ۱۹۹۴ به آن کشور و کلمبیا در مورد اقامت ژنرال آوریل ...
63. U.N. Doc. CAT/C/SR. 360 at 5 (19 Nov. 1998).

یوگسلاوی و رواندا هستند به دادگاه مربوطه تسلیم نمایند یا آنها را در محاکم داخلی خود محاکمه کنند. مثلاً شورای امنیت در قطعنامه شماره (۱۹۹۵) ۹۷۸:

«از دولتها می‌خواهد که براساس قوانین ملی خود و استانداردهای حقوق بین‌الملل اشخاصی را که در قلمرو آنها یافت می‌شوند و دلایل کافی علیه آنان موجود است که مسؤولیت اعمالی را به عهده دارند که در صلاحیت دادگاه بین‌المللی روانداست و پرونده تعقیب علیه آنها در دادگاه بین‌المللی رواندا یا نزد مقامات ملی صلاحیتدار تشکیل شده است را دستگیر و بازداشت نموده و به دادگاه بین‌المللی رواندا تسلیم نمایند یا در دادگاههای داخلی صالح خود محاکمه کنند».^{۶۴}

با وجود این شورای امنیت در موارد دیگر به‌طور مشخص به اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری دعوت نموده است. مثلاً در قطعنامه شماره (۱۹۹۹) ۱۲۶۴ در مورد تیمور شرقی شورای مزبور در عبارات کلی تنها به این اکتفا کرده است که مسؤولین اعمال خشونت‌آمیز در تیمور شرقی به‌دست عدالت سپرده شوند. بنابراین مفیدتر خواهد بود چنانچه شورای امنیت از دولتها مصرأ بخواهد که در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری که در کشورهای خاصی ارتکاب می‌یابند صلاحیت جهانی اعمال نمایند و این احتمالاً می‌تواند به‌عنوان اولین گام به‌منظور ارجاع وضعیت به دیوان کیفری بین‌المللی لحاظ گردد. همچنین مفید خواهد بود چنانچه شورای امنیت در فقدان روند نظارت معاهداتی، خود نقش نظارتی را نیز به‌عهده گیرد. در گزارشی که اخیراً از سوی شورای

64. S.C. Res. 978(1995), U.N. SCOR, 3504th mtg., par. 1, U.N. Doc. S/RES/978(1995).

امنیت منتشر شده دبیر کل به شورا پیشنهاد نموده است که چنین نقشی را هم در ارتباط با قانونگذاری داخلی و هم در خصوص امر تعقیب کیفری به عهده بگیرد. دبیر کل توصیه کرده است که شورا:

«از کشورهای عضو بخواهد. قوانین لازم به منظور تعقیب اشخاصی که مسؤول نسل کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی هستند را از تصویب بگذرانند. دولت‌های عضو می‌بایست اتباع خود و یا اشخاصی را که در قلمرو آنها بسر می‌برند و مرتکب تخلفات مهم (نقض جدی) حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده‌اند براساس اصل صلاحیت جهانی تعقیب کیفری نمایند و گزارش کار را به شورای امنیت تسلیم کنند».^{۶۵}

۷- جلوگیری از سوء استفاده از صلاحیت جهانی

اعمال صلاحیت جهانی از منظر کسانی که در موضع دفاع قرار می‌گیرند متضمن مشکلاتی است که شایسته بررسی دقیق است.

اولین مسأله این است که تصمیم به انجام دادرسی براساس صلاحیت جهانی ممکن است مورد اعتراض قرار گیرد. دولتهایی که براین اساس اعمال صلاحیت می‌کنند ممکن است متهم به امپریالیسم قضایی شوند. چه صلاحیت جهانی ظاهراً فقط از سوی دولتهای قدرتمند در مورد جرائم ارتكابی در قلمرو دولتهای ضعیف اعمال می‌شود. یک نگاه اجمالی به مواردی که در پیوست این مقاله خلاصه شده ممکن است این اتهام را تأیید نماید. در غالب مواردی که صلاحیت جهانی اعمال شده است دولتهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) به جرائم ارتكابی در

۶۵. گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد به شورای امنیت در مورد حمایت از غیرنظامیان در منازعات مسلحانه:

U.N. Doc. S/1999/957, 8 Sept. 1999.

خارج از قلمرو این دولتها رسیدگی کرده‌اند.^{۶۶} از سوی دیگر تعهدات بین‌المللی درخصوص تعقیب جرائم سنگین حقوق بشری براساس صلاحیت جهانی نسبتاً صریح است و در معاهداتی که به‌طور گسترده مورد تصویب دولت‌ها قرار گرفته است وجود دارد. این وضعیت ممکن است علیه دولت‌هایی که می‌خواهند به تعهدات بین‌المللی خود عمل کنند بکار گرفته شود به‌ویژه در شرایطی که بخواهند اتباع خود را که متهم به ارتکاب این جرائم هستند محاکمه نمایند. با وجود این، نگرانی‌هایی در مورد رعایت عدالت در محاکماتی که در خارج از کشور محل وقوع جرم انجام می‌شود وجود دارد. همچنین محاکمه اشخاصی که ممکن است زبان و فرهنگ کشوری را که در آنجا محاکمه می‌شوند ندانند و نشناسند. بنابراین باید تأکید کرد که مثل هر متهم دیگر، متهمینی که براساس صلاحیت جهانی محاکمه می‌شوند می‌بایست از استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی بهره‌مند شوند و از هرگونه بی‌عدالتی احتراز شود. به این دلیل است که معاهداتی که صلاحیت جهانی را پیش‌بینی نموده‌اند تلاش دارند تا مقررات ویژه‌ای برای حق محاکمه عادلانه اشخاص که براین اساس به محاکمه کشیده شده‌اند مقرر نمایند.^{۶۷} عنایت ویژه‌ای به مسأله حق متهم برای ترجمه، حق داشتن وکیل، حق حمایت کنسولی به‌موجب کنوانسیون وین مربوط به روابط کنسولی معمول گردیده است. مقامات دادستانی و دادگاه‌ها باید نسبت به اختلافات فرهنگی و مسائل جنسیت حساسیت داشته باشند. مثلاً عدم تمایل زنان در بعضی از فرهنگ‌ها به ادای شهادت در مورد تجاوز جنسی در شرایطی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند ممکن است موجب رد

۶۶. اما نگاه کنید به پیوست در مورد جریان دادرسی در سنگال علیه هابره رئیس جمهور سابق چاد.

۶۷. ماده ۴۹ کنوانسیون شماره ۱ ژنو، ماده ۵۰ کنوانسیون شماره ۲ ژنو، ماده ۱۲۹ کنوانسیون شماره ۳ ژنو و ماده ۱۴۶ کنوانسیون شماره ۴ ژنو؛ کنوانسیون منع شکنجه (ماده ۸).

موضوع از سوی آنان شود. متهمان باید از سوی دادگاههای غیرنظامی محاکمه شوند. سیاست بعضی از دولت‌ها مبنی بر محاکمه جرائم سنگین حقوق بشری در دادگاههای نظامی مسائلی در مورد رعایت عدالت در این دادگاهها را برمی‌انگیزد. نهایتاً خاطرنشان می‌کنیم که متهمان نباید به مجازات اعدام محکوم شوند.^{۶۸}

۸- ملاحظات پایانی و جمع‌بندی

اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری نمادی مؤثر در مورد استمرار جهانی شدن دادرسی کیفری است. این بدان دلیل است که در پرونده‌های صلاحیت جهانی - مثلاً مواردی که نمی‌توان به‌طور همزمان اصل حمایت از تبعه و اصل جرائم علیه کشور را اعمال نمود - مقامات قضایی از سوی نظام حقوقی داخلی خود عمل نمی‌کنند بلکه به نمایندگی از سوی نظام حقوقی جهانی اقدام می‌نمایند. این در حالی است که انتظار می‌رود چنین امری از سوی نهادهای بین‌المللی که برای این منظور تأسیس شده‌اند - مثل دادگاههای کیفری بین‌المللی - انجام شود. برخورد نهادهای داخلی به‌منزله عامل بازدارنده عمل می‌نماید.

اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری مشکلات حقوقی و عملی زیادی را برانگیخته است که تفوق بر آنها چندان آسان نیست. اما تجربه نشان می‌دهد که این کار شدنی است. درست است که مجلس اعیان انگلیس به‌سختی توانست بر مسائل پیچیده حقوق بین‌الملل که در پرونده پینوشه مطرح شد فائق آید، اما دادگاههای سایر کشورهای اروپای غربی نشان داده‌اند که از عهده تبیین مفاهیم حقوقی مشکلی نظیر

۶۸. مقایسه کنید با ماده ۷۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی، ماده ۲۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا.

جرم نسل کشی و تفاوت بین منازعات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی که چندین دهه نویسندگان و دیپلماتها را دچار ابهام نموده بود به‌خوبی برآمده‌اند. پرونده‌هایی که در این رابطه مطرح شده به توسعه حقوق بین‌الملل در این زمینه کمک‌های شایانی کرده است.

دولتهایی که ادعا می‌کنند که نسبت به اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری جدی هستند باید ترتیباتی اتخاذ نمایند که قانونگذار داخلی بطور مشخص به دادگاههای داخلی اجازه اعمال صلاحیت جهانی را در رابطه با جرائم تعریف شده در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، قطع نظر از محل وقوع جرم، زمان آن یا مرتکبین این جرائم اعطا نماید. زمان مناسب برای این کار وقتی است که آنان قوانین خود را برای تطبیق با اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مورد بازنگری قرار می‌دهند. آنان می‌بایست توجه کنند که قوانین مربوط به دادرسی مانع از انجام محاکمات موفق براساس صلاحیت جهانی نشود. مثلاً اعتبار شهادتنامه‌های کتبی را محدود کنند. به علاوه به‌منظور بدست آوردن دانش تخصصی در حقوق (کیفری) بین‌المللی و معاضدت‌های قضایی مورد نیاز، ملاحظه جدی به‌منظور تأسیس واحدهای تحقیق و تعقیب که وظیفه ارتباط با دادگاههای کیفری بین‌المللی و سایر دادگاهها را به‌عهده داشته باشد می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

شایع‌ترین سؤالی که در مورد صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری مطرح می‌شود این است که آیا این اعمال صلاحیت الزامی است یا اختیاری. پاسخ مختصر این است که دولتهای عضو کنوانسیون‌های ژنو و کنوانسیون سازمان ملل در مورد منع شکنجه، اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با تخلفات مهم و شکنجه را الزامی نموده‌اند. به

علاوه به موجب حقوق بین‌الملل عرفی دولتها می‌توانند صلاحیت جهانی را در رابطه با نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت، جرائم جنگی و شکنجه اعمال نمایند.

نباید از اعمال صلاحیت جهانی در مورد جرائم سنگین حقوق بشری واهمه داشت. طبیعی است که دولتهای محل وقوع جرم نسبت به این کار عکس‌العمل نشان دهند زیرا چنین وضعیتی نشان ضعف آنها در اجرای تعهدات بین‌المللی است. به همین دلیل تعجب‌آور نیست که شیلی به بازداشت پینوشه در انگلستان اعتراض نمود و موریتانی متعاقب دستگیری یکی از نظامیان آن کشور در فرانسه همکاریهای نظامی خود را با فرانسه قطع کرد و محدودیت‌های صدور روادید برقرار نمود. همچنین کنگو در واکنش به دستور دستگیری وزیر امور خارجه آن کشور از سوی بلژیک از آن دولت به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرد. با توجه به این واکنش‌های نیرومند، بعید است که دادستانها در اعمال صلاحیت جهانی نسنجیده عمل نمایند. یکی از دلایل کلیدی مخالفان صلاحیت جهانی امکان سوء استفاده از آن است. در حقیقت بررسی پرونده‌هایی که در این مقاله به آنها اشاره شد نشان می‌دهد که دلیلی برای تحقیق و تعقیب بی‌دلیل یا سیاسی وجود نداشته است.

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیوست موارد اعمال صلاحیت جهانی

استرالیا:

قانون جرائم جنگی مصوب سال ۱۹۴۵ که در سال ۱۹۸۸ مورد بازنگری قرار گرفته است چنان محدودیت‌هایی در نظر گرفته است که مشکل بتوان از آن به‌عنوان نمونه‌ای از قوانین مربوط به اعمال صلاحیت جهانی یاد کرد. قلمرو این قانون محدود به جرائم جنگی است که در زمان جنگ دوم جهانی از سوی اتباع یا ساکنان استرالیا در اروپا ارتکاب یافته است. در هیچ‌کدام از سه پرونده‌ای که به‌موجب این قانون اصلاح شده تشکیل گردید، حکم محکومیتی صادر نشده است. «واحد تحقیقات ویژه جرائم جنگی» که با ۵۰ کارمند اداره می‌شد در سال ۱۹۹۲ منحل گردید چنین بنظر می‌رسد که هیچ پرونده دیگری که مشمول این قانون باشد مطرح نخواهد شد.

وضعیت در مورد جرائم علیه بشریت و نسل‌کشی بدتر از این است. در تاریخ اول سپتامبر ۱۹۹۹ دادگاه فدرال استرالیا در پرونده Nulyarimma v. Thompson چنین اعلام کرد که به‌دلیل فقدان قانون نمی‌توان هیچکس را به اتهام نسل‌کشی در دادگاه‌های استرالیا محاکمه کرد.

اتریش:

یک دادگاه district در سالزبورگ در تاریخ ۳۱ مه ۱۹۹۵ یک صرب بوسنیایی به نام Dusko Cvjetkovic را که از اتریش تقاضای پناهندگی کرده بود از اتهام نسل‌کشی مسلمانان بوسنی تبرئه کرد. ظاهراً

تحقیقات مقدماتی این پرونده بسیار ضعیف انجام شده بود به نحوی که هیچکدام از ۵ شاهدی که قرار بود متهم را در دادگاه شناسایی نمایند در دادگاه حضور نیافتند. اما جالب توجه است که دیوانعالی کشور اتریش پذیرفت که دادگاه‌های اتریش صلاحیت رسیدگی به موضوع را داشته‌اند.

بلژیک:

بلژیک احتمالاً گسترده‌ترین و روزآمدترین قانونگذاری مربوط به اعمال صلاحیت جهانی را داراست. قانون ۱۹۹۳ این کشور در مورد جرائم جنگی در منازعات مسلحانه بین‌المللی و داخلی قابل اجراست. این صلاحیت حتی در صورتی که متهم در قلمرو بلژیک نیز یافت نشود قابل اعمال است. به علاوه، قانون مزبور اخیراً به منظور توسعه شمار جرائمی که در مورد آنها اعمال می‌شود بازنگری شده است. این بازنگری که در سال ۱۹۹۹ انجام شد به دادگاه‌ها امکان می‌دهد که مرتکبان نسل‌کشی و جرائم علیه بشریت را مطابق با تعریفی که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است، مشمول اعمال صلاحیت جهانی قرار دهند. هیچ‌گونه مصونیت رسمی مانع اجرای این قانون نیست.

یک قاضی تحقیق در بروکسل تحقیقات گسترده‌ای در مورد جرائم ارتكابی در جریان منازعات داخلی رواندا انجام داد. بعضی از افراد متهم بودند که در قتل کلاه آبی‌های بلژیکی در رواندا نقش داشته‌اند. بعضی دیگر از متهمین بلژیکی‌هایی بودند که به نسل‌کشی در رواندا متهم بودند. در عین حال مواردی نیز وجود داشت که بدون چنین ارتباطی با بلژیک در اجرای صلاحیت جهانی مورد رسیدگی قرار گرفت. قاضی تحقیق در اجرای

قسمتی از تحقیقات خود ۴ مأموریت تحقیقاتی، ۳ مأموریت برای رواندا و یک مأموریت برای توگو و غنا ترتیب داد.

در تاریخ ۸ ژوئن ۲۰۰۱، دو نفر به نامهای آلفونسه هیجانیرو (Alphonse Higanro) و وینسنت نتزیماننا (Vincent Ntezimana) و دو راهب کاتولیک به نامهای کانسولاتا موکانگانگو (Consolata Mukangango) و ژولین موکابوترا (Julienne Mukabutera) از سوی دادگاه بروکسل به اتهام شرکت در قتل‌های نسل‌کشی رواندا محکوم و به زندانهای طویل‌المدت محکوم شدند.

کانادا:

با وجود این که در کانادا قوانین لازم برای تعقیب جرائم جنگی وجود دارد، هنوز کسی به دلیل ارتکاب جرائم سنگین حقوق بشری در خارج از کانادا محکوم نشده است. یکی از دلایل این امر آن است که در سال ۱۹۹۴ در پرونده Imre Finta دیوانعالی کشور کانادا با این استدلال که محکومیت مرتکبان جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت یک گزینه غیرواقعی است، از کنار دلایل به‌سادگی عبور کرد. دولت کانادا اعلام کرد که ترجیح می‌دهد مرتکبان جرائم سنگین حقوق بشری در کانادا را به‌جای محاکمه، از آن کشور اخراج نماید. این امر آشکارا با تعهداتی که کانادا به‌موجب کنوانسیون‌های ژنو و کنوانسیون منع شکنجه معاهده دارد ناسازگار است. قانون مصوب سال ۲۰۰۰ در خصوص جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی که به‌موجب آنها اعمال صلاحیت جهانی در مورد اشخاصی که در کانادا هستند و متهم به نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم

جنگی می‌باشند تجویز شده است می‌تواند به سیاست تعقیبی فعال‌تری کمک نماید.

دانمارک:

در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۹۴، یک صرب بوسنیایی بنام Refik Saric که از دانمارک درخواست پناهندگی کرده بود به دلیل ارتکاب قتل و شکنجه ساکنین یک اردوگاه در بوسنی به ۸ سال زندان محکوم شد. دادگاه تجدیدنظر نیز این محکومیت را تأیید کرد. دادگاههای دانمارک به استناد مقررات ذیل خود را صالح به رسیدگی دانستند؛ مقررات مربوط به تخلفات مهم در مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ سومین کنوانسیون ژنو و مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو به انضمام ماده (۵) ۸ قانون مجازات دانمارک که به دادگاهها صلاحیت داده است تا مرتکبین برخی جرائم را در صورتی که دانمارک به موجب معاهده‌ای ملزم به انجام آن است محاکمه نمایند. شهادت ۳۹ نفر از کسانی که همراه متهم در مرکز پناهندگی دانمارک به سر می‌بردند مبنی بر این که آنان دیده‌اند که وی چگونه با ساکنان اردوگاه مذکور بدرفتاری کرده است به تحقیقات پرونده کمک فراوانی کرد. اما در عین حال عدم همکاری قضایی مقامات بوسنی و کرواسی علیرغم درخواست‌های مکرر برای تعقیب متهمین، موجب کندی تحقیقات گردید.

فرانسه:

دیوانعالی کشور فرانسه در تاریخ ۶ ژانویه ۱۹۹۸ پذیرفت که یک کشیش رواندایی مقیم فرانسه متهم به نسل‌کشی و جرائم علیه بشریت نسبت به پناهندگان توتسی رواندا، براساس صلاحیت جهانی در فرانسه تحت

محاكمه قرار گیرد. دیوان پذیرفت که صلاحیت محاکمه چنین جرائمی از جمله ناشی از قانونی است که به موجب آن فرانسه متعهد شده است به قطعنامه ۹۵۵ شورای امنیت ترتیب اثر بدهد. تاکنون حکمی در ماهیت قضیه صادر نشده است.

در تاریخ سوم ژوئیه ۱۹۹۹ یک ستوان ارتش موریتانی به نام Ely Ould Dha که در فرانسه آموزش نظامی می‌دید به اتهام شکنجه زندانیان در زندان موریتانی در سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ دستگیر شد. موریتانی نسبت به این اعمال واکنش شدید نشان داد و همکاری‌های نظامی خود را با فرانسه قطع و مقررات اخذ روادید برای اتباع فرانسه برقرار نمود. متهم در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۹ آزاد شد، تحقیقات معلق ماند و در نتیجه وی به موریتانی بازگشت. اما روند قانونی پرونده در غیاب وی ادامه دارد.

آلمان:

آلمان در میان دولتها، فعالترین کشور در اجرای صلاحیت جهانی در مورد جرائم سنگین حقوق بشری بوده است. دلیل عمده این امر حضور شمار فراوانی از پناه جویان یوگسلاوی سابق در قلمرو آلمان است. به موجب ماده (۹) قانون جزای آلمان، حقوق کیفری آلمان نسبت به اعمالی قابل اجراست که به موجب معاهده بین‌المللی آلمان ملتزم به تعقیب آنهاست ولو در شرایطی که در خارج از آلمان ارتکاب یافته باشد. به موجب ماده (۱) همین قانون، قوانین کیفری آلمان در مورد نسل‌کشی که در خارج از آلمان ارتکاب یافته قابل اجراست. اما اصرار دادگاه‌های آلمان مبنی بر این که می‌بایست رابطه‌ای بین متهم و آلمان - نظیر اقامت طولانی مدت یا اشتغال در آلمان - وجود داشته باشد تا محاکم آلمان بتوانند صلاحیت

جهانی در مورد موضوع را اعمال نمایند مایوس کننده است. (اما به موارد زیر نگاه کنید):

یکی از دادگاه‌های مونیخ در تاریخ ۲۳ مه ۱۹۹۷ شخصی به نام Novislav Djajic را به علت معاونت در ۱۴ فقره قتل مجرم شناخت و به ۵ سال زندان محکوم کرد. این متهم از جرم معاونت در نسل‌کشی تبرئه گردید.

یک دادگاه در دوسلدورف در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۷ شخصی به نام Nikola Jorgic رهبر سابق گروه نظامی صرب را به دلیل ۱۱ فقره نسل‌کشی مجرم شناخت و به حبس ابد محکوم کرد. دلیل توجه اتهام به او یک مصاحبه تلویزیونی که در آن وی نقش رهبری خود را تأیید می‌کرد و همچنین شهادت یک سلسله شاهدان عینی بر ماجرا بود. دادگاه فدرال در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۹۹ این حکم را تأیید و تأکید کرد که دادگاه‌های آلمان بر اساس کنوانسیون نسل‌کشی صلاحیت رسیدگی به جرم را دارند، با توجه به این که موضوع ارتباط کافی با آلمان داشته، از جمله این که متهم مدت طولانی در آلمان اقامت داشته است. دیوانعالی فدرال آلمان در تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۰۰ فرجام خواهی متهم نسبت به این حکم را رد کرد.

همان دادگاه دوسلدورف در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۹۹، ماکسیم سوکولوویچ (Maksim Sokolovic) را به دلیل رفتار خشن با مسلمانان در صربستان به ۹ سال زندان محکوم کرد. به نظر می‌رسد که دادگاه تجدیدنظر در رأی مورخ ۲۱ فوریه ۲۰۰۱ خود برای اولین بار پذیرفته است که برای اعمال صلاحیت جهانی نیاز به هیچگونه ارتباطی با آلمان وجود ندارد.

همان دادگاه مونیخ که Novislav Djajic را محکوم کرده بود در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۹۹، چهارمین صرب بوسنیایی بنام Djuradi Kusljic را به اتهام نسل‌کشی به حبس ابد محکوم کرد.

مکزیک:

در تاریخ ۱۲ ژانویه ۲۰۰۱، یک دادگاه مکزیکی پذیرفت که یک افسر نظامی سابق بنام ریکاردو میگوئل کاوالو (Ricardo Miguel Cavallo) که متهم به ارتکاب اعمال وحشیانه در دوران دیکتاتوری نظامی در آرژانتین بود به اسپانیا مسترد شود. یک قاضی تحقیق اسپانیایی درخواست استرداد وی را نموده بود. موضوع اکنون در دادگاه تجدیدنظر تحت بررسی است.

هلند:

دیوانعالی کشور هلند در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۹۷ پذیرفت که یک صرب بوسنیایی مقیم هلند به نام دارکو کنیسویچ (Darko Knezevic) بر اساس صلاحیت جهانی در دادگاه نظامی هلند محاکمه شود. اتهام وی ارتکاب جرائم جنگی علیه مسلمانان در بوسنی و هرزگوین بود. دادگاه چنین اعلام کرد که صلاحیت محاکم هلند محدود به جرائمی نیست که در جریان جنگهایی که هلند در آن شرکت داشته اتفاق افتاده است. این موضع ابهامی را که در قانون جرائم جنگی هلند سال ۱۹۵۲ وجود داشت و از نظریات B.V.A. Röling قاضی هلندی در دادگاه توکیو الهام گرفته بود روشن ساخت. Röling بر این نظر بود که کنوانسیون‌های ژنو اعمال

صلاحیت جهانی را فقط در رابطه با دولتهای درگیر تجویز می‌کنند. رسیدگی به این پرونده هنوز وارد مرحله ماهوی نشده است. در تاریخ ۲۰ نوامبر ۲۰۰۰، یک دادگاه در آمستردام دستور تعقیب Desi Bouterse فرمانده سابق ارتش سورینام را به دلیل شرکت در قتل‌های سیاسی که در سال ۱۹۸۲ در سورینام اتفاق افتاد صادر کرد. این موضوع از آن جهت قابل توجه است که قانون سال ۱۹۸۲ هلند هنوز امکان اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم علیه بشریت و شکنجه را تجویز نکرده بود.

سنگال:

یک دادگاه منطقه‌ای داکار در تاریخ ۳ فوریه ۲۰۰۰ رئیس‌جمهور سابق چاد Hissein Habré را به اتهام شکنجه محکوم و بازداشت نمود. به نظر می‌رسد که این اولین بار است که در یک کشور آفریقایی شخصی را که متهم به ارتکاب جرائم حقوق بشری است به پای میز محاکمه می‌برند. با این وجود در تاریخ ۴ ژوئیه ۲۰۰۰، پس از مداخله رئیس‌جمهور سنگال در ماجرا، دادگاه دیگری اعلام عدم صلاحیت کرد و در تاریخ ۲۰ مارس ۲۰۰۱، دیوانعالی سنگال اعلام نمود که به علت فقدان قانونگذاری داخلی که صلاحیت جهانی را در رابطه با شکنجه تجویز نماید آقای هابره نمی‌تواند در سنگال محاکمه شود.

اسپانیا:

در تاریخ ۴ و ۵ نوامبر ۱۹۹۸ دادگاه ملی اسپانیا پذیرفت که دادگاه‌های اسپانیا می‌توانند متهمین به ارتکاب نسل‌کشی در آرژانتین و

شیلی را محاکمه نمایند. اگرچه دادگاه ابتدا در اجرای اصل حمایت از اتباع - با توجه به این که بسیاری از قربانیان اتباع اسپانیا بودند - وارد رسیدگی شد اما دادگاه صلاحیت خود را براساس اصل صلاحیت جهانی مبتنی کرد. این پرونده راه را برای صدور دستگیری بین‌المللی ژنرال پینوشه باز کرد. این دستور را قاضی گارزون (Garzón) صادر نمود.

سویس:

یک دادگاه نظامی در لوزان سویس در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۹۷ یکی از صربهای بوسنی به نام گوران گرابز (Goran Grabez) را که از سویس درخواست پناهندگی کرده بود و به ارتکاب جرائم گوناگونی در رابطه با اردوگاههای بوسنی و هرزگوین متهم بود تبرئه کرد. به نظر دادگاه دلایل کافی بر این که متهم در زمان جنایات در اردوگاهها بوده است وجود نداشت. اما دادگاه پذیرفت که به موجب ماده ۱۰۹ قانون نیروهای مسلح سویس صلاحیت رسیدگی به موضوع را داشته است. همین دادگاه در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۹۹ یکی از اتباع رواندا به نام فولگنس نیونتز (Fulgence Niyonteze) را که از سویس درخواست پناهندگی کرده بود به اتهام قتل، شروع به قتل، تشویق به قتل و جرائم جنگی ارتكابی در قلمرو رواندا در سال ۱۹۹۴ به حبس ابد محکوم کرد. این اولین باری بود که یکی از اتباع رواندا در رابطه با نسل‌کشی در رواندا از سوی یک دادگاه اروپایی محکوم می‌شد. البته دادگاه به اتهامات نسل‌کشی و جرائم علیه بشریت رسیدگی نکرد زیرا این جرائم مطابق حقوق سویس مشمول صلاحیت جهانی نمی‌شوند. شاهدان ماجرا از رواندا به لوزان سویس منتقل شدند تا بتوانند در جریان محاکمه شهادت خود را ارائه نمایند. قبل از شروع

محاكمه، دادگاه از رواندا بازدید به عمل آورد تا شهادت شاهدانی را که نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند به سویس عزیمت نمایند استماع نماید. حکم صادره در مرحله تجدید نظر به ۱۴ سال زندان تخفیف یافت.

انگلستان:

یک پزشک سودانی به‌نام محمد احمد محبوب (Mohammed Ahmed Mahgoub) که در اسکاتلند اقامت داشت در سپتامبر ۱۹۹۷ دستگیر و به اتهام مذکور در بخش ۱۳۴ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ یعنی شکنجه در یک بازداشتگاه مخفی در سودان محاکمه شد. بخش ۱۳۴ این قانون نحوه اجرای کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل را مشخص نموده است. در ماه مه ۱۹۹۹ ظاهراً بلحاظ فقد دلیل پرونده مختومه شد.

در تاریخ اول آوریل ۱۹۹۹، آنتونی سائونیوک (Anthony Sawoniuk) ۷۸ ساله در لندن به اتهام ارتکاب قتل دو یهودی در سال ۱۹۴۲ در منطقه‌ای که اکنون بلاروس نامیده می‌شود به حبس ابد محکوم شد. این اولین و تنها رأی محکومیتی است که در اجرای قانون جرائم جنگی سال ۱۹۹۱ صادر شده است. براساس این قانون، اتباع انگلستان یا ساکنان این کشور که مرتکب برخی جرائم جنگی در آلمان یا آلمان اشغالی در زمان جنگ دوم جهانی شده‌اند تحت تعقیب قرار می‌گیرند. قانون مزبور علی‌رغم عنوان وسیعی که دارد شامل محدوده بسیار مضیقی از نظر زمان و مکان می‌گردد. واحد ویژه‌ای از پلیس به‌منظور تحقیق در مورد پرونده‌های مربوطه تشکیل شده است.

در ایالات متحده، اصل صلاحیت جهانی در رابطه با جرائم سنگین حقوق بشری که در خارج ارتکاب می‌یابد با توجه به قانون Alien Tort Claims و قانون حمایت از قربانیان شکنجه از جنبه حقوق مدنی موفقیت‌های چشمگیری داشته است. در عین حال مبنای قانونی برای اعمال صلاحیت جهانی در امور کیفری فقط برای شکنجه وجود دارد و تاکنون نیز پرونده‌ای در رابطه با این موضوع مطرح نشده است. قانون جرائم جنگی سال ۱۹۹۶ به دادگاهها صلاحیت رسیدگی به تخلفات مهم از کنوانسیون‌های ژنو را تنها براساس اصل تابعیت مجرم یا تابعیت قربانی - و نه صلاحیت جهانی - داده است.

